

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تارخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۹۵ / سال نهم / آذر ماه ۹۹ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



کرونا رایگان باید درمان شود





پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزیینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پرورژه ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

شماره ۹۵ آذر ۱۳۹۹ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۷

گزارشی از تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی ص ۳۷

مدیر عامل شستا به خودش می بالد؟ ص ۳۹

قرارداد جدید بیمه تکمیلی!!! ص ۴۰

نامه جمعی از اعضای صندوق بازنشستگی آینده ساز ص ۴۱

از بیمه تامین اجتماعی، واقعن چه چیزی باقی مانده!!! ص ۴۳

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۴۴

اگر جامعه طبقاتی نباشد! ص ۴۵

دروغگو ص ۴۶

مادر در هر شرایطی مادر است! ص ۴۷

هیچ یک از ما، از «کرونا» قوی تر نیستیم! ص ۴۸

ماسک زدن خیلی هم ربطی به شعور نداره ص ۴۹

سوال هایی که بسیار زیاد مطرح می شود! ص ۵۰

بیاموزیم و به کار بندیم! ص ۵۲

چگونه دولت جیب بازنشستگان را می زند؟! ص ۵۳

درسنامه (۶) ص ۵۴

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

=کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران مراجعه کنید

در آستان اطلسین سحرگاه،

من مسافر شب پیما،

چون تندیزی فسردهم.

ایستادم، خم شدم، نشستم،

خفتم، جان دادم، خاک شدم،

بادم افشاند.

و به دست چرخش جاوید سپرد،

تا به لبخند پیروزی تو بنگرم،

ای نبیره من!

علیرضا جباری نویسنده، شاعر و مترجم نام آشنا و عاشق طبقه کارگر قلب پرشورش امروز باز ایستاد. انسانی مهربان، دوستدار عدالت اجتماعی و آزادیخواهی مصمم و با لبخندی همیشگی که به پیروزی انسانیت باور داشت.

در تعاملی که با سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران داشت از آنچه در توانش بود کوتاهی نکرد از دادن کتاب های سودمندش با تخفیف های باورنکردنی تا هدیه کتاب هایی که به درد کوشندگان کارگری می خورد. او در یک کلام عاشق طبقه خود بود و در این راه از هیچ کوششی فرو گذار نبود. شعرش، کتاب هایش و زندگیش همگی در خدمت رنجبران و نشان دهنده راهی بود برای زحمتکشان. او نیز همچون دیگر عاشق طبقه کارگر دکتر فریبرز ربیس دانا پرچمی بود برای آرمان های کارگری. او همواره زنده است و لبخند گرمش انرژی بخش پیکارگران آرمان های کارگری.

با خانواده و دوستانش همدردیم و به کانون نویسندگان ایران از دست دادن چنین رفیق شفیقی را تسلیت می گوئیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۷ آذر ۱۳۹۹



در آرامش باش رفیق هم‌نورد!

زنده یاد مرتضا رحیم پناه عضو قدیمی کانون کوهنوردان تهران، در ۹ آذر آرام گرفت. او که از دهه سی با کار در کارخانه چیت ری با اندیشه های کارگری آشنا شده و یکی از کوشندگان اتحادیه کارخانه بود، به کوهنوردی هم روی آورده با آرمان های انسانی کوهنوردی همراه شد و در این رشته یکی از با اخلاق ترین کوهنوردان گشت. متأسفانه زخم های کودتای ۲۸ مرداد ضربات هولناکی به آرمان های کارگری و کوهنوردی زد اما افرادی همچون زنده یاد مرتضا رحیم پناه نشان دادند که روح کوهنوردی با آرمان های انسانی گره خورده است و هیچ اتفاقی نمی تواند این روح انسانی را نابود کند. او اعتقاد داشت که نه تنها باید به رواج روح کوهنوردی و آرمان های کارگری در میان مردم کمک کرد بلکه باید به جوانان نشان داد که این روشی است برای زندگی. تلاش های او و اکبر نعمتی و مهری گللیک پور در قبل و بعد از کودتای ۲۸ مرداد از یاد کارگران چیت ری نازودونی است و در

جنبش کارگری دستاورد اتحادیه کارگران کارخانه چیت ری برای زحمتکشان ایران مهدکودک و شیرخوارگاه است، که به یادگار مانده است.

روح ناآرام و پر تلاشش گرچه آرام گرفت اما اندیشه های انسانی او توسط هموردانش پی گرفته خواهد شد.

گروه کوهنوردان فلزکار ضمن تسلیت به خانواده این همورد، به کانون کوهنوردان تهران نیز ابراز همدردی می کند.

گروه کوهنوردان فلزکار

۱۵ آذر ۱۳۹۹

شرح عکس: امام زاده شکرآب - بین مسیر اوشون، آهار و قله توچال سال ۱۳۳۲. پس از یک کوهنوردی سنگین : نفر دوم از راست دکتر عبدالکریم انواری نفر سوم حسن حاج رفیع دبیر سندیکای کارگران کوره پزخانه سعادت ، نفر وسط فردی که سرش پایین است دکتر محسنی پناه دهنده دکتر فاطمی در سال ۱۳۳۲ ، نفر آخر مرتضا رحیم پناه عضو اتحادیه کارگران کارخانه چیت ری ۱۳۳۱، نشسته اکبر نعمتی دبیر اتحادیه کارخانه کارگران چیت ری ۱۳۳۱



سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران معتقد است:

تجربه برآمد نوین اعتراض‌های کارگری و گسترش آن به برخی از مراکزهای مهم صنعتی و تولیدی راهبردی در ماه‌های اخیر، حاکمیت را بر آن داشت که ضمن تفرقه انداختن در صف‌های اعتراضی کارگران از تهاجمی شدن جنبش کارگری- سندیکایی مانع شده و بین کارگران رشته‌های گوناگون صنعتی و خدماتی اختلاف و پراکندگی بوجود آورد و از این راه حرکت به سمت ارتقای سطح سازمان‌دهی و همبستگی را کند و سپس متوقف کند.

خدمات پرستاران و اهمیت آن در دوران کرونایی

پرستاران بزرگترین گروه کارکنان نظام سلامت را تشکیل می‌دهند و نقش موثری در جامعه و حیات اجتماعی آن دارند. پرستاری با گرایش‌های مختلف: درمانی، بهداشتی، روانی، آموزش و پیشگیری، توانبخشی، فوریت‌های پزشکی و مراقبت‌های پزشکی ویژه، در همه عرصه‌های بهداشت و درمان و در همه‌ی مراحل زندگی انسان از نوزادی تا سالمندی نقشی حیاتی و موثر دارد. پرستاری به ویژه در بخش درمان از شغل‌های بسیار سخت به شمار می‌رود، از این رو نیازمند حمایت‌های ویژه است.

بنا بر استانداردهای جهانی تعداد پرستار به بیمار در بخش عمومی در وضعیت مطلوب یک پرستار به ۴ بیمار است. از لحاظ تعداد پرستار در کل کشور باید تعداد پرستاران دو برابر تخت‌های بیمارستانی باشد، در حال حاضر در کشور ۱۱۲ هزار و ۸۰۰ تخت وجود دارد که با احتساب ۲ پرستار برای هر تخت، باید بیش از ۲۲۰ هزار پرستار شاغل به کار وجود داشته باشد، اما اکنون حدود ۱۴۰ هزار پرستار داریم. در حال حاضر عده‌ای از پرستاران ایرانی به آمریکا، کانادا و استرالیا مهاجرت کرده و در آنجا حقوقی به مراتب بالاتر از ایران دریافت می‌کنند. به طوریکه متوسط حقوق ماهیانه پرستاران در ایران حدود دو میلیون تومان است، ولی در این کشورها، حداقل ۶ تا ۱۰ میلیون تومان دریافت می‌کنند.

بار عمده خدمات بهداشتی - درمانی بر عهده ی پرستاران است.

بسیاری از پرستاران پس از چندین سال کار مداوم سلامت خود را از دست می‌دهند، یکی از دلایلی که پرستاران رنج دوری از خانواده را تحمل می‌کنند و به کشورهای دیگر برای کار می‌روند این است که در کشورمان به پرستاران کم توجهی شده است.

در ایران پرستاران در سمتی کار می کنند که سنگینی بار کاری بر دوش جامعه پرستاری است و آنها بیشترین خدمات را ارائه می دهند ، اما پولها در جیب کسان دیگری میرود . تفاوت در پرداخت دستمزدها گاهی نزدیک به صد برابر است.

بعلاوه برخی از پرستاران مواجهه با عدم امنیت شغلی و قراردادهای موقت هستند و در مواردی حقوق آنها چندین ماه به عقب افتاده است.

یکی دیگر از مشکلات جامعه پرستاری در کشور ما ایران ، موضوع خصوصی سازی امر بهداشت و سلامت است که از سویی شاهد تشکیل هتل بیمارستان های مخصوص طبقه مرفه و از سوی دیگر تهدید سلامت اکثریت مردم زحمتکش ایران هستیم.

ضرورت امروز کشور ، اتحاد همه ی نیروهای پرستاری و دیگر زحمتکشان یدی و فکری جهت ایجاد تشکل های مستقل سندیکایی و تشدید مبارزه با سیاست های ارتجاعی ضد منافع زحمتکشان و ضد منافع ملی است تا رانت خواران و غارتگران را به عقب نشینی وادار نمائیم.

بدون حضور سندیکاها و سازمان های صنفی مستقل نمی توان از گشایش در وضعیت معیشتی و پیشرفت زندگی نیروهای پرستاری سخن گفت.

پیش به سوی احیای سندیکاها و اتحادیه های مستقل پرستاری با هدف ارتقا بخشیدن به سطح زندگی عموم مردم و ریشه کن کردن فقر و نابرابری.

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی تهران

بازنشستگان سندیکای فلزکارمکانیک آذر ماه ۹۹

در چه وضعیتی هستیم؟!

رفقای سندیکایی و هموطنان عزیز!

آنچه در نامه های ارسالی به رییس جمهور و وزیر بهداشت پیش بینی کرده بودیم متأسفانه اتفاق افتاد. طوفان کرونا با توجه به رطوبت بالای پاییز و زمستان پیش رو با دستورهای اعلامی از سوی دولت و وزارت بهداشت جز کشتار بیشتر مردم هیچ نتیجه دیگری نخواهد داشت. سودمحوری یا ارزشمندی زندگی انسانها، این دو روشی است که در جهان برای مبارزه با کرونا اتخاذ شده است. چین، ویتنام و کوبا با اتخاذ قرنطینه های سخت و تامین مایحتاج مردم در قرنطینه توانسته اند به این بیماری مهار زده جان هموطنانشان را حفظ کنند. در روش سودمحوری و همه گیری همگانی جز کشتار مردم فقیر، سالمندان، بی خانمان ها، مبتلایان به بیماری های خاص و زمینه ای، اتفاق دیگری نیفتاده و نخواهد افتاد همچنانکه در آلمان، ایتالیا، انگلیس و برزیل و آمریکا افتاده است. پس بیاییم چاره ای برای این بیماری بکنیم.

طبق آخرین گزارش وزارت بهداشت در روز ۶ آذر ۱۴۰۱ نفر مبتلا و تعداد ۴۵۲ نفر از هموطنانمان از دست رفته اند. این به معنای این است که در هر ۴ دقیقه یک نفر ایرانی کشته و در هر ثانیه دو نفر به این بیماری مبتلا می شوند.

از اعضا، هواداران و هموطنانمان می خواهیم موارد بهداشتی را بسیار سخت گیرانه رعایت کرده و به دیگر هموطنانمان نیز نه تنها یادآوری بلکه یاری برسانند.

هنوز هم قرنطینه های دو ماهه سخت شهر به شهر و رایگان کردن مواد ضد عفونی و ماسک و دادن مایحتاج مردم در قرنطینه های علمی و ضابطه مند، چاره ساز است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۸ آذر ۱۳۹۹

روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان را گرامی می داریم!



نام‌گذاری روزی به نام «روز جهانی رفع خشونت از زنان» در جهان از سوی کنشگران زن اشاره ای به کشتار وحشیانه سه خواهر میرابال دارد. خواهرانی که در دیکتاتوری کشور دومینیکن، واقع در آمریکای لاتین- در مبارزه بودند و به طرز وحشیانه شکنجه شده و به قتل رسیدند. روز ۲۵ نوامبر/ ۵ آذرماه، سالروز جان باختن «میرابال» هاست. داشتن زندگی‌ای عاری از خشونت حقی اساسی برای همه انسان‌ها است، با این وجود، خشونت بر اساس جنسیت، به‌شکل‌هایی مختلف در جهان علیه زنان اعمال می‌شود که ریشه در میزان فقر و نابرابری و تبعیض جنسیتی حاکم در جامعه‌ها دارد.

در میهن ما این خشونت به ویژه با گسترده تر شدن بیکاری به دلیل کرونا شدت گرفته است. دختران و زنانی که به دلیل قطع درآمدها از شوهران و خانواده مورد خشونت قرار می‌گیرند. در این میان زنانی که مسئولیت امور خانواده را به‌عهده دارند و در خط مقدم مبارزه با کرونا قرار دارند از جمله پرستاران، زنان غسال، کارگران زن خدماتی بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها که به ضد عفونی کردن محیط و وسایل درمانی مشغولند، کارگران قسمت لباسشویی و تمیزکاری که بسیار در معرض خطر هستند و گاه تا ماه‌ها حقوق دریافت نمی‌کنند و در این شرایط کارفرمایانشان از استخدام نورات جدید برای کاستن فشار کاری

خودداری می کنند، از آن جمله اند. زنان زحمتکش غسال در بهشت زهرا از خستگی مفرط و ابتلای به کرونا، همکارانشان حرف ها برای گفتن دارند.

سیستم سرمایه داری از زنان نه فقط در بخش تولید بلکه برای در بخش ضدفرهنگی استفاده های فراوانی می برد و با نشان دادن زنان زیبا در بخش لوازم آرایشی و بهداشتی و لباس، محصولات بی کیفیت خود را فروخته سودهای فراوانی از مصرف زیاد می برند. زنانی که به دلیل سیستم سرمایه داری فقیر و به تن فروشی کشیده شده اند از سوی سیستم سرمایه داری پس از گرفتن شیر جانشان با خشونت طرد می گردند. از سویی همین سیستم برای ارضای حس مثلث نوع دوستی خود به تشکیل خیریه ها دامن می زند.

زنان بیکار شده، زنان شالیکار و باغدار و دامدار، دختران دستفروش، مادران کوچک به زور مادر شده، زنان کارگر جنسی، پرستاران، پزشکان زن، کارگران خدماتی در عرصه درمان و زنان غسال، دور باد از شما خشونت و کرونا.

مادران و خواهران و دختران ما، همراه شما برای زندگی عاری از خشونت و سرزمینی آزاد و عدالت محور خواهیم رزمید و روز ۵ آذر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان را همراه شما گرامی می داریم!

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۵ آذر ۱۳۹۹

مزد اجتماعی یا مزد جنبی

مزایایی می باشد که علاوه بر مزد عادی، به کارگر پرداخت می شود. این مزایا عبارتند از: مرخصی با استفاده از حقوق، مزایای تامین اجتماعی، خانه سازمانی، خدمات بهداشت و درمان و ...

مردی که آموزگار ماند!



زنده یاد محمود فردوسی، زاده روستای ریکان شهر گرمسار، انسانی که با زندگیش انسانیت را معنایی دیگر بخشید. او در ۳۰ آبان ۱۳۹۹ پس از گذراندن شش ماه بیماری سخت، چشمانش را بر روی آنچه دوست می داشت، بست.

محمود فردوسی در دهه ۱۳۲۰ با مبارزات دهقانی که در روستایش جریان داشت و دهقانان توانسته بودند با متحد شدن در اتحادیه دهقانی، ارباب را از شهر و روستا بیرون کنند، آشنا گشته به این مبارزات آزادیخواهانه بپیوندند. سالخوردگانی که در گرمسار هستند هنوز به یاد می آورند جوانی را که در روستایشان اولین سخنرانیش را ایراد کرد.

بارها زندانی شد ولی دست از آرمان های کارگری خود برنداشت. او جزو کنشگران موثر فرهنگیان تهران و به ویژه در اعتصاب اردیبهشت ۱۳۴۰ معلمان و تشییع پیکر دکتر خاندلی بود تا به دست حکومت نیفتد. در دهه پنجاه زمانی که بازررس مبارزه با فساد در آموزش و پرورش شد، با مدیران فاسد رده بالا برخوردی جدی داشت و به همین خاطر از این پست برکنار شد.

آموزگاری در او تنها به کلاس درس محدود نمی شد بلکه روشنگری هایش در میان خانواده، دوستان، همشهریها، مردم عادی و به ویژه شاگردانش در جهت آشنا کردن آنان با حقوق خود، تا آخر عمر جزیی از رفتارش بود. خانه اش پناهگاه مردم رنجدیده و ستمدیده ای بود که راه تظلم خواهی را نمی دانستند. محمود فردوسی شاگردانی آزادیخواه و عدالت جو در محیط نازی آباد و خزانه تهران تربیت کرد. او مصداق بارز این شعر مولاناست:

نه شبم، نه شب پرستم که حدیث خواب گویم

چو غلام آفتابم، همه از آفتاب گویم

امروز همه آنهایی که از او درس آزادگی آموخته اند، سوگوارند. سوگوار آموزگاری فراموش نشدنی. هرچند به دلیل شرایط ویژه بهداشتی دوستداران و شاگردانش نتوانستند وداعی در خور با او داشته باشند، اما بی تردید استقبال بی نظیری که از او در آستانه انقلاب ۱۳۵۷ و با آزاد شدنش از زندان در چهارصد دستگاه نازی آباد و در شهرش گرمسار اتفاق افتاد، باز هم دوباره در این وداع رخ می داد.

به احترامش سر تعظیم فرو می آوریم و راهش را ادامه خواهیم داد .

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲ آذرماه ۱۳۹۹

آزادی وثیقه بردار نیست!

در روز پنجشنبه ۲۲ آبان ماه رفیق سندیکایی مان منوچهر سراج با گذاشتن وثیقه ای ۵۰۰ میلیونی از زندان اوین آزاد شد. هرچند این آزادی خوشحال مان کرد اما وثیقه گرفتن از کارگری که هیچ در بساط ندارد کاممان را تلخ تر از همیشه نمود. گرفتن وثیقه از بی گناهایی چون سراج در حقیقت محدودتر کردن اینگونه فعالان از وظایف اجتماعی خود است. چرا که وثیقه گذار که خود نیز اندوخته ای به جز این ملک ندارد حالا در معرض فشارهای گوناگون قرار خواهد گرفت. با گرفتن وثیقه دو نفر محدود می شوند. اینگونه آزاد کردن ها به معنای این است که واقعن این زندانیان جرمی مرتکب نشده اند و فقط برای ترساندن این کوشندگان و خانواده هایشان روانه زندان می شوند.

ما همچنان خواستار آزادی همه زندانیان کارگری از جمله اسماعیل عبدی، جعفرعظیم زاده و دیگر دوستداران زحمتکشان از زندان ها هستیم. بیکار کردن و اخراج کوشندگان سندیکاهای کارگری ترفندهای رنگ و رو رفته ای است که در آرمان های کارگرمیان خلی ایجاد نمی کند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۳ آبان ۱۳۹۹

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

سندیکایی قدرتمند خواهد بود که، با برنامه ریزی دقیق از آنچه در جنبش کارگری جاری است درک مشخص داشته باشد و سپس با سازماندهی در میان طبقه کارگر آن هم با انضباطی کارگری مستحکم بتواند با هدف گذاری های موثر برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت خود را اجرایی کند. لازمه چنین کاری استفاده از تمامی توان و هوش اعضای سندیکاست. هرچه آموزش های کارگری در جهت رویدادهای جامعه باشد، استعدادها و هوش اعضا نیز درگیر موضوع شده به کمک برنامه ریزی و اجرایی کردن اهداف سندیکا خواهد آمد.

جناب آقای دکتر حسن روحانی!

این سومین نامه ای است که برای شما می نویسیم و به دلیل شرایط کرونایی، آن را در فضای مجازی منتشر می کنیم. متأسفانه دو نامه قبلی، هیچکدام از مواردش اجرایی نشد و امروز شرایط اینگونه شده است که نزدیک به ۹ هزار هموطن ما روزانه مبتلا به کرونا شده و بیش از ۴۰۰ تن از عزیزانمان هم، روزانه فوت می کنند. بی تردید این آمار تا ۱۰ هزار مبتلا و ۵۰۰ کشته در روز تا آخر آبان افزایش خواهد یافت. در نامه دوم به شما در ۲۰ فروردین چنین نگاشتیم: «آقای دکتر روحانی، نشستن در خانه و اجرای قرنطینه، به لوازم و امکانات و تدابیری احتیاج دارد که وظیفه دولت است تا آن را مهیا و تامین کند. بیمه بیکاری دوران کرونا اعلام شده توسط وزارت کار هنوز اجرایی نشده است. دستفروشان و بسیاری از بیکاران و کسانی که دارای مشاغل حاشیه ای هستند را پوشش نمی دهد. نمی توان خانه نشینی را تبلیغ کرد اما فقرا را در نظر نداشت و مردم را با مشکلاتشان تنها گذاشت. خانوارهای زیادی هستند که شغل و درآمد ماهیانه ی ثابتی ندارند. آقای دکتر روحانی، برای نابودی قطعی این بیماری باید قاطعانه و به صورت علمی و عملی وارد این موضوع شد»

قبل از شیوع بیماری کرونا، ماسک ۴۵۰ تومانی امروز در داروخانه ها با قیمت ۱۳۰۰ تومان عرضه می شود یعنی ۳ برابر، مواد ضدعفونی ۳ لیتری ۳۰ هزار تومانی اکنون ۱۳۰ هزار تومان به فروش می رسد. از بازار سیاه هیچ نمی گوئیم که انسولین و اکسیژن در آن به وفور یافت می شود اما در بیمارستان ها و داروخانه ها یافت نمی شود. طبقه کارگر و فقرا و اقشار آسیب پذیر و کم درآمد، نمی توانند این اقلام را در سید خرید خود قرار بدهند، چرا که به همت شما و دولت های پیشین هر روز فقیرتر شده ایم و قدرت خریدمان کاهش یافته است. اگر در ابتدای سال ۹۷ طبق مصوبه ی وزارت کار ۲۳۲ دلار دستمزدمان بود در سال گذشته به ۱۳۰ دلار رسید؛ و امروز با دلار ۳۰ هزار تومانی به ۸۰ دلار تنزل یافته است. قیمت ها از فروردین تاکنون ۳ برابر افزایش پیدا کرده اند، بعد شما انتظار دارید مردم مرتب دستهایشان را بشویند و در خانه مانده تا بیماری مهار شود؟

ما از شما می خواهیم تا دیر نشده، رویکرد دولت به سمت قرنطینه کامل یا شهر به شهر به مدت حداقل ۳۰ روز برده شود تا این بلا، با کمترین هزینه ی جانی و مالی، از سر مردم درمانده ما کم شود. لذا بدینوسیله از شما می خواهیم:

۱ - همه بیمارستان ها اعم از دولتی و خصوصی موظف شوند بدون دریافت وجهی بیماران کرونایی را پذیرش کرده و تمام امکانات خود را در خدمت مردم و وزارت بهداشت قرار دهند.

۲- همه فقرا و زحمتکشانی که منبع درآمدی ندارند بدون هیچ شرطی تا ۳ ماه آینده زیر پوشش بیمه بیکاری قرار گیرند. صندوق ذخیره ارزی اگر امروز به کار فقرا نیاید فردا به غارت اختلاسگران خواهد رفت.

۳- تمامی حقوق های عقب افتاده در سراسر کشور پرداخت شده و به روز گردد.

۴- لوازم بهداشتی از جمله ماسک، دستکش، الکل و مواد ضد عفونی کننده، بطور رایگان در اختیار همه قرار گیرد. برای این مهم باید از تمامی کارخانه هایی این اقلام را تولید می کنند خواست که ۳۰ درصد تولیدشان را رایگان به وزارت بهداشت بدهند چون سودهای نجومی از این بیماری نصیب شان شده و این کمترین کمک به میهن است.

۵- ضد عفونی معابر و محلات تا درب خانه ها بطور جدی و بدون وقفه، توسط افراد آموزش دیده، انجام پذیرد.

۶- بی خانمان ها در گرمخانه ها و مساجد متمرکز شده تا از اشاعه بیماری جلوگیری شود. در این مورد می توان از سازمان های مردم نهادی که در این زمینه فعالیت دارند کمک گرفت.

۷- مراکز تولیدی، صنفی و ادارات، توسط اداره بهداشت بازرسی های بهداشتی دقیق و جامع و مستمر بشوند تا کم کاری صورت نگیرد.

۸- همه زندانیان آزاد شوند. می توان با دستبندهای الکترونیکی آنان را کنترل نمود.

۹- پرستاران و کادر درمانی بیشتری به کار گرفته شود تا جان این قهرمانان وطن به دلیل کار شبانه روزی به خطر نیفتد و تلفات کادر درمانی متوقف شود. مراکز درمانی هنوز هم به ۱۰ هزار کادر درمانی دیگر نیازمندند. می توان با دعوت از همه بازنشسته های این رشته کادر درمان را یاری داد.

۱۰- حقوق کادرهای درمانی و کارگرانی که در کارخانه های بهداشتی به سختی کار می کنند، نه تنها هیچگونه عقب افتادگی نداشته باشد بلکه با پاداش های مناسب و در خور، گوشه کوچکی از این فداکاری ها جبران شود. در حال حاضر بسیاری از پرستاران به دلیل کمی حقوق و در نظر نگرفتن، شخصیت انسانی شان به کشورهای عربی مهاجرت می کنند.

۱۱- تمامی ارگان‌هایی که بیمارستان‌های صحرایی به پا کرده بودند این بیمارستان‌ها را برپا کنند تا مهار این بیماری راحت‌تر صورت گیرد.

۱۲- مبارزه بی‌امان با بازار سیاه صورت گرفته و سوداگران در دادگاههای علنی دادگاهی شوند. همچنین هرگونه افزایش قیمت کالاها باید متوقف گردد و این میسر نیست جز از طریق بازرسی جدی توسط بازرسان پاکدست و جدی گرفتن از سوی دولت

۱۳- افزایش بی‌سابقه زباله‌های پلاستیکی و نایلکس خطرات زیست محیطی در آینده در برخواهند داشت. باید تدابیر جدی زیست محیطی از سوی مدیران شهری اتخاذ گردد تا در آینده موجب خسران نشویم.

خواهران و برادران هموطن، با رعایت اکید موارد بهداشتی از جان خود و هموطنانمان مراقبت کنیم. ما می‌دانیم سرمایه‌داری برای خلاص شدن از مواردی که برایش هزینه دارد همچون سالمندان، کارتن خواب‌ها، فقرا، زندانیان به توفان کرونا دل بسته است. اجازه ندهیم جان مردم ایران را سودورزی و پول به خطر اندازد.

کادر درمان اعم از پزشکان، پرستاران، کارگران خدماتی، فرزندان شایسته میهن مان هستند این فرزندان قهرمان مان را می‌ستاییم و این قهرمانی در تاریخ ماندگار خواهد شد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۷ آبان ۱۳۹۹

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

نیروی سندیکاهای کارگری نه تنها در تصمیمات و اندیشه‌های کارگری آنان نهفته است بلکه در وحدت عمل مجموعه اعضای آن نیز هست. این وحدت عمل نشان از سطح عالی سازماندهی رهبران سندیکایی دارد. اینکه ما فکر کنیم تمامی کارگران باید زیر رهبری سندیکاهای کارگری گرد آیند اشتباهی است محض. در محیط سرمایه‌داری چنین اتفاقی هرگز نخواهد افتاد و این ساده نگری است. انسانها به دلیل شرایطی که جامعه دارد و توان و آگاهی خود به سایر سازمانهای مدنی، صنفی، زیست محیطی روی خواهند آورد. باید به چنین نهادهایی از سوی سندیکاهای کارگری کمک کرد و در ایجادشان کوشید. هرچه سازمان‌های مطالبه‌گر در جامعه ای فعال باشند، آن جامعه نظارت پذیرتر خواهد شد و فساد و بی‌قانونی کمتری را به خود خواهد دید.

پنهان شدن کلان سرمایه داران پشت کارفرمایان خرده پا و متوسط

الیگارش‌های مالی مجتمع شده در بنیادهای انگلی، نهادهای اقتصادی وابسته به رهبری نظام، مجتمع‌های عظیم اقتصادی گرد آمده در اتاق‌های بازرگانی، و سرمایه داری بوروکرات جا خوش کرده در دستگاه‌های اداری و موسسات دولتی به حق کلان سرمایه داران این سرزمین هستند. فقط نام بردن از تمام اینها کلی وقت می‌گیرد. لیست برخی از آنها بشرح زیر است:

قرارگاه خاتم الانبیاء، بنیاد مستضعفان، سازمان اقتصادی آستان قدس رضوی، بنیاد تعاون سپاه، بنیاد تعاونی ناجا، بنیاد شهید، بنیاد مسکن، ستاد اجرایی فرمان امام، صداوسیما و شرکتهای هلدینگ‌های عظیم وابسته به اتاق‌های بازرگانی، از جمله هلدینگ‌های خودروسازان، توزیع و پخش فرآورده‌های غذایی، دارویی، موسسه‌های عمومی و شرکت‌های وابسته به شهرداری‌ها، هلدینگ‌های نفت، گاز و پتروشیمی، آب و برق، حمل و نقل، راه آهن، کشاورزی و خدماتی و... همه‌ی این کلان سرمایه داران با هدف سودورزی هرچه بیشتر، بجای استخدام مستقیم و بدون واسطه کارگران از پیمانکاران یا همان دلالان نیروی کار استفاده نموده و چند صد هزار کارگر زحمتکش را با قراردادهای موقت یک ماهه و سه ماهه به کار می‌گیرند.

به کارگیری کارگران، بدون حداقل حقوقی که هزینه‌های زندگی آنها و خانواده شان را پوشش دهد، بدون رعایت حداقل‌های ایمنی و بهداشت کار، بدون تشکیل کمیته‌های حفاظت فنی و بهداشت کار، بدون بازرسی‌های دوره ای وزارت کار (وزارت کارفرما)، بدون غذا، خوابگاه و سرویس مناسب و...

نباید فراموش کرد این شرکت‌ها که عمدتاً به تدریج از شمول قوانین کار و تامین اجتماعی خارج شده اند، برای بزرگترین پروژه‌های کشور نظیر پتروشیمی‌های در حال احداث عسویه و... تامین نیرو می‌کنند.

به این ترتیب جای هیچ تردیدی نمی‌ماند که این کلان کارفرمایان و دولت (به عنوان یکی از کلان کارفرماها) هستند که کنترل بازار کار و دستمزدها را به

طور مستقیم و غیر مستقیم بر عهده دارند و نه کارگاه های تولیدی خرده پا و متوسط پراکنده در سراسر کشور.

هم اینک تعطیل و رکود بسیاری از کارگاه های کوچک کشفایی، دوزندگی، کفاشی، قالببافی و نظایر آنها را تهدید جدی می کند.

این کلان کارفرمایانند که در تعیین دستمزد ها کاملاً متحد و منسجم عمل می کنند و با وجود گرانی و تورم شدید کالا ها و لوازم زندگی که همگان مشاهده می کنند، از افزایش دستمزدها با تمام وجود جلوگیری می نمایند.

کارگاههای خرده پا نباید اجازه دهند کلان سرمایه داران برای پنهان داشتن سودورزی های غارتگرانه خود، پشت آنان سنگر بگیرند. از طرفی این ادعای عوام فریبانه ای بیش نیست، که افزایش دستمزدها متناسب با سبد هزینه ی زندگی منجر به رشد نقدینگی ها و تورم خواهد شد.

ما کارگران و بازنشستگان خواهان حمایت دولت از کارگاههای کوچک و متوسط تولیدی توسط دولت هستیم.

با هوشیاری و اتحاد تمامی کارگران و زحمتکشان می توانیم، کلان سرمایه داران و پیمانکاران وابسته به آنها را به عقب نشینی وادار کنیم.

پیش به سوی احیای سندیکاها و اتحادیه های کارگری.

با هدف ارتقاء بخشیدن به سطح زندگی عموم مردم و ریشه کن کردن فقر و نابرابری.

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی تهران

بازنشستگان سندیکای فلزکار مکانیک آبان ماه سال ۱۳۹۹

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن

۱. ذوب آهن را می‌خواهند با بحران روبرو کنند!



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در حالی که ظرفیت تولید فولاد کشور به خاطر کمبود مواد اولیه، معطل مانده است وزارت صنایع به جای این که با یک راهکار اساسی و با یک بخشنامه خیلی ساده، صادرات سنگ آهن را برای همیشه ممنوع اعلام کند، اعلام کرده که صادرات سنگ آهن پس از کسب مجوز لازم از وزارت صمت اشکالی ندارد.

به نظر کارشناسان سندیکایی مستقر در ذوب آهن بدون شک این کار، شرکت های بزرگ ما یعنی ذوب آهن اصفهان و فولاد مبارکه را با بحران جدی روبرو خواهد کرد چرا که خوراک این کارخانه ها اگر به خارج روانه شود طولی نخواهد کشید که هم قیمت ها بالا خواهد رفت و هم اینکه کمبود این خوراک، تولیدات فلزی ما را به رکود خواهد کشاند. ما می دانیم که مافیای لانه کرده در دولت چشم دیدن تولید در هیچ عرصه ای را ندارد به ویژه تولید در صنایع سنگین. برنامه های نئولیبرالیستی دولت به دنبال تولید نیست و تجارت را پر سود تر می داند.

۳ - واقعیت چیست؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیرعامل تاسیکو اعلام کرده: «تا آخر امسال و با اجرای پروژه هایی ۱۰۰۰ نفر شاغل خواهند شد و در آینده نزدیک شاهد ورود زغال سنگ پروده طبس به فرابورس خواهیم بود و هلدینگ صدرتامین سودی معادل ۸۱۴ میلیارد تومانی را تجربه کرده است» تا آخر سال چند ماهی بیشتر نمانده و ببینیم این ۱۰۰۰ شغل چگونه ایجاد خواهد شد. اما کسی نیست از این آقای مدیرعامل بپرسد که سهام عرضه شده سازمان تامین اجتماعی در بورس چه گلی به سر سازمان زده که حالا شما هم می خواهید همان راه را بروید. در حالی که قرار بود از سود سهام عرضه شده تامین اجتماعی وضعیت مستمری بگیران و بیمه شده ها خوب شود حالا معلوم شده این سهام نه تنها سود نکرده بلکه زیان های سنگینی را هم متحمل شده که باید خانواده های کارگری آن را بپردازند. از طرف دیگر ایشان نفرموده اند که این سود ۸۱۴ میلیاردی چه سرنوشتی پیدا کرده چرا که بی تردید به جیب نه خانواده های کارگری ذوب آهنی رفته و نه در سازمان تامین اجتماعی واریز شده است. دور نیست تا معلوم شود این ادعاها تا چه میزان درست از آب در خواهد آمد.

۳ - روزهای سخت کرونایی برای کارگران ذوب آهنی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وضعیت مشاغل سخت و زیان آور در ذوب آهن هنوز روشن نشده و کارگران با اعتراض های خود خواستار روشن شدن این موضوع هستند. از سوی دیگر با نایاب شدن انسولین، خانواده های ذوب آهنی به دردسر افتاده و مدیریت برای رفع این مشکل آنان را به داروخانه های طرف قرارداد بیمه تکمیل درمان دانا و یا داروخانه های غیر طرف قرارداد که فرانشیز پرداخت شده را با اخذ فاکتور و برگ دفترچه به مراکز دریافت نسخه های بیمه دانا تحویل می دهند تا پس از بررسی فرانشیز پول انسولین را دریافت کنند. باید به این مدیریت خسته نباشید گفت که این گونه راهکارهای فضایی می دهد.

۴- مدیریت ذوب آهن عاجز از حل کارهای ساده!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در حالی که ادعا می شود ذوب آهن و شرکت های اقماری اش سودهای افسانه ای دارند اما مدیریت ذوب آهن عاجز از تهیه لباس کار و کفش ایمنی کارگران ذوب آهنی به مدت دو سال است. قضیه به اینجا ختم نمی شود. از مرداد ماه قرارداد شستشوی البسه کارکنان تمام شده و شرکت هنوز از پیدا کردن پیمانکار دیگری عاجز است. کارگران طی اعتراض های نوبه ای خود بارها می پرسند که یعنی مدیریت نمی داند چه زمان کفش و لباس تمام می شود که آن را زودتر تهیه کند؟ و یا اینکه این مسوول مناقصه ها خوابند که نمی توانند زودتر مناقصه شستشوی لباس را برگزار کنند تا کارگران دچار مشکل نشوند؟ این مدیران را باید مناقصه گذاشت.

۵- توقعات بیجای شورای معاونین!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در جلسه شورای معاونین آبانماه ذوب آهن گفته شده است: «ضرورت تقدیر بیشتر از کارکنان پرتلاش شرکت برای افزایش بهره وری ...» متأسفانه شورای معاونین فقط توقع کار و بهره وری داشته و از ایجاد بسترهای لازم برای این منظور عاجزند. کارشناسان سندیکایی مستقر در ذوب آهن افزایش بهره وری را منوط به شرایط زیر می دانند: ۱- بازسازی و نوسازی ذوب آهن ۲- پرداخت دستمزد متناسب با کار محوله ۳- اجرای طبقه بندی مشاغل ۴- استخدام کارگران مورد نیاز بخش های مختلف تا فشار کاری کمتر شده -عقب نیفتادن کفش، لباس کار و ماسک و مواد ضد عفونی کننده برای کارگران و شستشوی مرتب لباس کارگران ۶- امنیت شغلی

تا نگرانی های روحی و روانی کارگران کمتر شده و بهره وری حاصل گردد .

۶- سودهای صدر تامین کجا می رود؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در حالی مدیرعامل تاسیکو از سود خالص ۷۱ درصدی صدرتامین در ۶ ماهه اول سال صحبت می کند که در شرکت های زیر مجموعه این ابر شرکت ، مشکلات کارگران روز به روز بیشتر می شود. در زیر مجموعه صدرتامین، کارگران معادن تحت پوشش از قراردادهای شغلی، دستمزد، نبود طبقه بندی مشاغل، امنیت شغلی و جانی، نبود وسایل رفاهی همچون رعایت موارد بهداشتی کرونا به ویژه ماسک لازم و ضد عفونی کننده ناراضی و معترض هستند. همچنین عدم استخدام کارگران خدماتی مورد نیاز ذوب آهن برای ضد عفونی کردن معابر و سطوح و مهمتر از همه شلوغی بیش از اندازه سرویس های انتقال کارگران و ضد عفونی نشدن و نظافت این

سرویس ها، در این طوفان کرونایی نام برد. به این ها باید متوقف شدن وام ۲۰ میلیونی مسکن کارگران ذوب آهنی را هم اضافه کرد. اگر این موارد رفع شود دیگر از سودهای خالص ۷۱ درصدی خبری نخواهد بود.

۷- نشان ویژه برای روابط عمومی ذوب آهن !!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، «در ۱۷مین جشنواره برترین های روابط عمومی ها از بین ۱۴۰ شرکت کننده، روابط عمومی ذوب آهن نشان ویژه مسوولیت اجتماعی و لوح سپاس در رشته اطلاع رسانی کرونا را دریافت کرد» حال ببینیم آیا این روابط عمومی در حوزه اطلاع رسانی ذوب آهن واقعا موفق بوده است؟ کافی است به اعتراض هایی که کارگران در حین همین جشنوار داشته اند نظری بیاندازیم: «لباس کار دو تکه کارکنان بهره برداری هنوز بعد از یکماه توزیع نشده و کارگران با لباس مندرس سرکار خود می روند» حالا ببینیم پاسخ به اعتراض کارگران چگونه بوده است: «در هفته آینده مراحل تشریفات و بازگشایی اسناد مناقصه انجام و با تعیین پیمانکار ظرف مدت یکماه تولید لباس آغاز خواهد شد و به محض تحویل به کارخانه، توزیع می گردد» یعنی دوماه دیگر شاید لباس آماده شود. چرا روابط عمومی به مدیران اطلاع رسانی نکرده است که کارگرت لباس ندارد؟ جالب اینجاست که نه روابط عمومی و نه هیچ مسوول دیگری نمی گوید چرا از ۶ ماه پیش به فکر مناقصه و دیگر تمهیدات نبوده اید؟ که کارگر با لباس پاره آن هم در دوران کرونایی به سرکار نرود. اما فقط این بخش نیست که لباس کار ندارد بلکه لباس کار کارشناسان شرکت هم هنوز توزیع نشده است.

طنز قضیه این است که آن ۱۴۰ تای دیگر چه گندی بوده اند که بهشان لوح و نشان نداده اند.

۸- وضعیت کارگران کک واحد ۲ ذوب آهن!

کارگران کک واحد ۲ ذوب آهن به خبرنگار پیام سندیکا چنین گفتند: ۱- شرایط محیط کارمان طوری است که رعایت کلیه دستورهای بهداشتی عملن ممکن نیست و باید شرایطی مهیا شود تا اصول بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی در محل استقرار کارگران از جمله رختکن، اتوبوس حمل کارگران، دستشویی، حمام، کارت زنی و کلیه محل هایی که کارگران به اجبار در آنجا حضور دارند به وضعیت بهتری درآید. ۲- برای تشویق کارگران باید دستمزدها را متناسب سازی با حجم کاری نمود تا انگیزه ها بیشتر شود. ۳- حقوق و مزایایی که کارگران در کک واحد ۲ کار می کنند باید با سایر قسمت های دیگر تفاوت داشته باشد. چرا که در این قسمت کارگران با گاز و شرایط سخت کارگاهی روبرویند. ۴ -

اینجا ما سندیکا نداریم و اگر کارگری هم بخواهد عضو رسمی سندیکا شود بی تردید اخراج خواهد شد به همین خاطر نه تنها ما بلکه سایر کارگران ذوب آهنی هم نمی توانند عضو سندیکای فلزکار که تمامی مشکلات ما را منعکس می کند، بشوند. ما در اینجا تکیه گاهی نداریم و اعتراضاتمان بیشتر شکل نامه نگاری دارد.

پیام سندیکا: امیدواریم که کارگران ذوب آهنی دست به دست هم داده سندیکای کارخانه را بازگشایی کنند.

خبرهایی از پروژه های نفت و گاز

۱- دغلکاران را افشا کنیم!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پتروشیمی صدف عسلویه با پیمانکاری آقای پایدار، دغلکاری این پیمانکار به اوج خود رسیده است. هنوز دو ماهی از کمپین اضافه دستمزدها نگذشته است که بسیاری برای دهن کجی به این کمپین دست به اقداماتی بی سابقه زده اند تا کارگران را دلسرد کرده و ادعای قدرت می کنند. این پیمانکار حقوق کارگران را طبق ۲۵ روز زده برعکس همه ایران و کمتر از حقوق کمپین. در این پروژه وضعیت خوابگاهها کاملن افتضاح و زیر صفر است. وضعیت غذا نگفتنی و خیلی خیلی بد. سرویس کارگران را از مینی بوسهای بنز از رده خارج درب داغون گذاشته اند. از همه بدتر اینکه حقوق مرداد کارگران را نیز نپرداخته است. همچنین تعدادی از پیمانکاران پروژه نیروگاه سیکل ترکیبی پارس جنوبی (بیدخون) افزایش حقوق کمپین را اعمال نکرده اند به ویژه شرکت سپاسد زیر مجموعه قرارگاه خاتم الانبیا و شرکت فراب.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها به این پیمانکاران هشدار می دهد هرچه سریعتر وضعیت کارگران را بهبود بخشیده و افزایش حقوق ها را طبق تصمیم کمپین اعمال کرده و حقوق ها را تسویه کند.

از کارگران این پروژه ها می خواهیم هرچه سریعتر این پروژه ها را ترک کرده به خانه های خود بروند تا پیمانکار پایدار و شرکت سپاسد و شرکت فراب، سر عقل بیایند.

برادران کارگر، با تحریم این پیمانکاران اجازه تخلف و تخطی از مقررات کمپین را ندهیم.

۲ مشکلات همیشگی کارگران پروژه ای!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکار جهاد نصر کرمان، به کارفرمایی مهندسی توسعه گاز ۴ ماه است که از پرداخت حقوق کارگرانش طفره می رود. پروژه میناب آقای علیپور ۴ ماه است که حقوق کارگران را نپرداخته و روز ۵ آبان تازه حقوق خرداد را با کارگران تسویه کرده است.

این خبرها به معنای آن است که پیمانکاران بعد از کمپین افزایش حقوق ها هنوز به خود نیامده و متاسفانه کارگران هم با عدم اعتراض به این نحوه مدیریت پروژه آنها را یاغی تر کرده اند. ۱- این پروژه تحریم کارگری است و هیچ کارگری برای کار به این پروژه نرود ۲- کارگران این پروژه می توانند با سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها تماس گرفته از حمایت ما برخوردار شوند

۳- از حقوق خود مراقبت کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بعد از اجرای موفقیت آمیز کمپین افزایش حقوق متاسفانه شاهد بدعهدی کارفرمایان هستیم. در پتروشیمی جم ۲ پایه حقوق ۲۵ روزه کمکی ۵/۳ میلیون و فیترا ۶ میلیون تومان زده اند. به عنوان مثال پیمانکاری صالحی با بیش از سیصد کارگر نه تنها شرایط کمپین را اجرا نمی کند بلکه خلاف آن و با حقوق های ذکر شده کارگران را به کار گرفته است. دیگر شرایط این پیمانکاری این چنین است: سرویس حمل و نقل مینی بوس بنز از رده خارج، دستشویی و حمام هایش بسیار کثیف و رعایت شرایط کرونا هم انجام نمی شود. اکثر کمپ ها هم تنها حقوق مردادماه را داده اند و ۲ ماه عقب افتادگی حقوق دارند. وضعیت خوابگاهها پنج نفر در یک اتاق ۱۲ متری و موارد برای رعایت کرونا انجام نمی شود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه کارگران پایبینگ و اکیپ پروژه ای ها از کارگران این پروژه ها می خواهند هرچه سریعتر این پروژه ها را ترک کرده به خانه های خود بروند تا پیمانکار سرعقل بیایند. برادران کارگر، با تحریم این پیمانکاران اجازه تخلف و تخطی از مقررات کمپین را ندهیم و تخلفات پیمانکاران را به ما گزارش کنید.

۴ برای پیمانکاران بدحساب کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت تنش گستر به پیمانکاری حجت موسوی بعد از اتمام کار چک قلابی به کارگرانی که برایش کار کرده اند داده است. کارگران چک را به بانک برده اند و چک برگشته خورده و بانک هم اعلام کرده است این حساب نامعتبر است. ۱۵۰ کارگری که برای این شرکت و این پیمانکار بدحساب و نامرد کار کرده اند حقوق ماههای خرداد، تیر، مرداد را طلب کارند. حالا هم هر چه زنگ میزنند تلفنش را خاموش کرده است. همچنین نیروگاه ارومیه شرکت نصب نیرو که داریست بند استخدام کرده بود به سه اکیپ داریست بندی که برایش کار می کنند اول یک حقوقی که راضی به کار شوند را اعلام کرده و حالا وقت دادن دستمزد حقوق دیگر را محاسبه می کند.

برادران کارگر، با افشای پیمانکاران و شرکت های بدحساب و دغلکار نه تنها برایشان دیگر کار نکنیم بلکه به دیگر کارگران هم اطلاع رسانی کنیم که آنها هم کار نکنند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه کارگران پایبینگ و اکیپ پروژه ای ها این دو شرکت و پیمانکاران مربوطه اش را تحریم کارگری کرده است.

۵ شرکت های دغلکار پروژه ای را بشناسیم!

۱- پتروشیمی جم ۲ پیمانکاری برادران صالحی هفشجانی با کمترین کارگر هفشجانی و کمترین حقوق را در عسلویه چهار سال است که خون کارگران را در شیشه کرده اند. حقوق کمی ۳۵۰۰. حقوق تکزن ۴۵۰۰. حقوق فیتز ۶ تومان مونتاژ کار ۵۰۰۰، جوشکار برق ارگون ۶۵۰۰. این پیمانکار نامرد تازه اکنون حقوق مردادماه کارگران را دارد پرداخت می کند. ۲- در فولاد راور کرمان شرکت پاژ اول می گویند هشت میلیون، وقتی میری سرکار در محل می گوید شش میلیون. بعد به ازای هر یک میلیون تومان هم هشتاد هزار تومان کسر می کند. زمان کاری هر روزه ۱۱ ساعت است. خوابگاهها کثیف و شلوغ است آنهم در این دوران کرونایی. جالبتر اینکه آشپز گرفته همینجا توی خوابگاه غذا درست می کنند برای هشتاد نفر. ۳- قسم نیروگاه مولد برق هنوز حقوق تیرماه را به کارگران پرداخت نکرده است.

۶- عهدشکنی شرکت ها ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پس از کمپین اعتراضی برای افزایش دستمزد که بسیاری از شرکت ها به کارگران قول دادند طبق شرایط کمپین با کارگران رفتار کنند طی دو ماهه گذشته خبرهایی از عهدشکنی شرکت ها به ما می رسد به نامه رسیده توجه کنید:

«وضعیت در شهید رجایی پیمانکاری پارس فنون گلشور (کیانپور) افتضاحه. ۳۰۰ نفر کارگر هستیم که توی خونه های اجاره ای جامون دادن و هر خونه تقریباً ۲۰ نفر میشه. دو ساعت تو صف حموم و توالتیم. برای هر ۲۰ نفر یک حمام و دستشویی هست. حقوق هم پایینه بطوریکه ۵/۱ تا دو تومن پایین تر از منطقه است. من ۲ ماه بیکار بودم و مجبور شدم پیام با حقوق کمتر از حقوق کمپین کار کنم البته قبل از من استخدام شده بودن و قرار داد بسته بودن. خبرشون فقط لطفاً اسم من یا شماره من درز نکنه که همین یه لقمه زهر ماری که خرج کرایه و پوشک و دوا دکنتر میشه هم از بین بره»

این دهن گجی به کمپین و عهدشکنی با کارگران بزودی بی جواب نخواهد ماند.

دوستان کارگر، این پیمانکار از سوی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها تحریم کارگری است و کارگری برای کار کردن به آنجا نرود.

به دوستان کارگرمون در این پروژه توصیه می کنیم: ۱- این پروژه را ترک کنند تا زمانی که وضعیت درست شود. ۲- از برادران کارگر بیکار می خواهیم تا روشن شدن وضعیت این کارگران، از رفتن برای کار به این پروژه خودداری کنند.

برای خودمان شخصیت قائل شویم و برای این نامردان کار نکنیم. مشکل هر کارگر و پروژه ای مشکل همه کارگران است و با اتحاد می توانیم این مشکلات را از پیش رو برداریم.

۷- پیمانکاران بد حساب را بشناسیم!

به نامه رسیده به پیام سندیکا توجه کنید: «سلام»، خسته نباشید، من یکی از کارگران در منطقه عسلویه هستم، حدود ۵ نفر از کارگرانی که با ما کار می کردند از سال ۹۵ از پیمانکاری بنام کیانوش منصوری اهل استان چهارمحال بختیاری طلبکار هستند و متأسفانه این پیمانکار از سال ۹۵ تا الان حقوق این کارگران را پرداخت نکرده و تلفنش هم خاموش می باشد که احتمالاً از خط دیگری استفاده می کند، لذا از شما دوست و

همکار عزیز تقاضا مندم در صورت امکان اطلاع رسانی شود که اگر کسی اطلاعی از نامبرده دارد خبر دهد و همچنین به عنوان پیمانکار بدحساب معرفی گردد. ضمناً مدارکی

دال بر این حقیقت وجود دارد. ممنون از زحمات شما»

ما از همه برادرانمان می خواهیم به این دوستان کارگر کمک کنند تا این فرد را یافته و با اتحاد کارگرمیان ریشه اینگونه پیمانکاران خشکیده شود. همچنین این پیمانکار نامرد را در هر کجا دیدید رسوای عالم کنید.

۸- پیمانکار دیگری از سلسله دغل بازان را بشناسیم!

نامه رسیده به پیام سندیکا از طرف چند کارگر به ما را با هم بخوانیم: «آیت قنبری به ما زنگ زده با خواهش و التماس که: «تا بعد عید کار دارم عیدی مزایا سنوات روزی سیصد میدم بیاین خوشحالتون می کنم جبران می کنم» ما هم اومدیم بعد دو هفته کارش خوابید. روزی ۱۸۰ احساب کرد. ۱۴ روزکار کردیم ۹ روز برامون حساب کرد. الانم همونم نداده نفری یه میلیون تومن به ما داد و میگه ضرر کردم و نمی صرفه و همیشه آیا این انصافه ؟؟؟؟؟؟؟ گفت حقوق ماه به ماه میدم هر وقت پول بخواین میدم. حالا همه پولو خورده و رفته»

بارها به کارگران گفته شده طبق مقررات کمپین اول قرارداد بندید بعد سرکار بروید تا این گونه پیمانکاران دغلباز دستشان بسته شود. برادران کارگر! این فرد را بشناسید و او را هر جا دیدید رسوای عالمش کنید.

۹- مصایب کارگران پروژه ای!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران پروژه ای مصیبت شان فقط موضوع دستمزد نیست بلکه ایمنی و بهداشت نیز هست. بهداشت با آمدن بیماری کرونا کمتر شده و پیمانکاران سود خود را بیشتر از رعایت حال کارگران می دانند چرا برایشان کارگر بسیار است. کارگران کرونایی را به خانه می فرستند و او را با هزینه های درمان تنها می گذارند و تا برگشتنش کارش به کسی دیگر داده شده است. از مواد ضد عفونی کننده، دستکش و ماسک و حتی ضد عفونی کردن معابر و دستشویی ها و حمام ها و خوابگاهها خبری نیست. ایمنی رعایت نمی شود و افسران ایمنی هم به وظایفشان به خواست کارفرما تن می دهند و جان کارگران بازپچه سود شرکت های پیمانکاری است. وزارت کار هم که خواب تشریف داشته و بخش بازرسی اش سالهاست که به دفتری برای لاس زدن با کارفرمایان تبدیل

شده است. از طرفی دیگر آلودگی بالای هوا، وضعیت تنفسی و زیستی ناشی از وجود گازهای متصاعد شده نیز معضلی بر معضلات کارگران افزوده و سلامت کارگران را به مخاطره می اندازد. دودکش های مشعلی که در چاه های نفت، پالایشگاه ها، پتروشیمی ها و کارخانه مواد شیمیایی برای سوختن گازها و مایعات زائد و قابل اشتعال و به کار می رود، آلودگی هوا را باعث می شود. یکی از مهمترین پیامدهای این سوختن گازها تغییرات آب و هوایی و از بین رفتن ریه مردم ساکن و شاغل در عسلویه می باشد. در اوایل دهه ۱۹۹۰ زنده یاد دکتر هکی در مورد این آلودگی ها نامه ای به خانم ابتکار مسوول وقت سازمان محیط زیست نوشت و قرار شد برنامه ای برای کم کردن آلودگی ها با گذاشتن فیلترهای مخصوص انجام شود که به دلیل همراهی نکردن دولت و شرکت نفت و کارفرمایان بزرگ این مهم به سرانجام نرسید. دستمزد مناسب برای اداره یک خانواده کارگری، تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چند ماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، بهداشت و ایمنی استاندارد از خواسته های کارگران پروژه ای است.

اخبار ایران خودرو



۱- ایران خودرو سه شیفته کار می کند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه ستاد ملی کرونا پنجشنبه ها را در تهران و کرج تعطیل اعلام کرده اما مدیریت ایران خودرو همچنان پنجشنبه و جمعه را برای کارگران کار و اضافه کاری برای خطوط تولید اعلام می کند. در این کارخانه ۶۰ ساعت اضافه کاری عادی است و تا بیش از ۸۰ ساعت اضافه کاری هم کارگرانی هستند که در کارنامه دارند. استقبال کارگران از این اضافه کاری ها به دلیل وضعیت نامناسب مالی شان است.

اینگونه کار کردن در نهایت کارگران را فرسوده و به پیری زودرس و سخته های قلبی و خستگی مفرط دچار می کند. کارگران به دلیل نداشتن فرصت مناسب برای استراحت کامل در خانه، بی حوصله و عصبانی هستند. عدم رسیدگی به خانواده و مشکلات خانه یکی از بارزترین مشکلات خانواده های ایران خودرویی است تا جایی که بیشترین آمار جدایی و طلاق در این شرکت رقم می خورد.

۲ وضعیت پیکان شهر در روزهای اوج کرونا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در اوایل ورود بیماری کرونا به کشورمان مدیریت شهرک پیکان شهر تهران اقدام به نصب مه پاش در ورودی ها، ضد عفونی کردن معابر به صورت هر روزه، دادن ماسک و دستکش رایگان به کارگران و شرکت ایسیکو می کرد. اما با موج سوم و سهمگین ابتلا به کرونا مثل اینکه مدیریت در خواب است و از ابتلای روزانه هر ۴ دقیقه یک نفر به این بیماری خبر ندارد. این مدیریت بیش از ۵ ماه است که از ضد عفونی کردن معابر دست برداشته و تب سنجی را نیز متوقف کرده است.

۳ موفقیت کارگران ایران خودرویی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اعتراضات کارگران ایران خودرویی به مدیریت ناکارآمد همچنان ادامه دارد. با توجه به وضعیت گرانی های روزافزون و کوچک شدن قدرت خرید کارگران، آنان به مدیریت از ثابت ماندن آورد طی سالهای اخیر اعتراض کردند و مدیریت هم فقط با افزایش ۱۰ درصدی افزایش آورد برای هر فصل موافقت کرده است که موفقیتی نه چندان دلچسب است. همچنین طی دو سال اخیر با بسته شدن تعاونی مصرف به دستور مدیریت، کارگران با نوشتن نامه های اعتراضی به دلیل گرانی و ناکافی بودن دستمزدها، خوشبختانه مدیریت مجبور شد هفته گذشته تعاونی مصرف را بازگشایی کند. عدم بازگشایی به دلیل سرمایه ای است که باید شرکت در اختیار تعاونی بگذارند که بالاخره مجبور به این کار شد. البته مدیرعامل تعاونی توسط مدیریت انتخاب می شود و کارگران در روند نظارت بر این تعاونی هیچ دخالتی نمی توانند بکنند.

۴ تبعیض در ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه کارگران ایران خودرویی بارها با دادن نامه خواستار اجرای طبقه بندی مشاغل شده اند اما مشکل مهم دیگر کارگران موضوع عدم اجرای قانون سخت و زیان آور در شرکت است. کارکنان سالن تری مری از سال ۱۳۸۱ که مشغول کار در ایران خودرو شده اند سه سال را به عنوان تکنسین کار کرده و سپس از

سال ۱۳۸۵ عنوان شغلی تکنسین خدمات فنی برای آنان منظور شده است اما جزو مشاغل سخت و زیان آور محسوب نشده اند. حال که به موعده بازنشستگی رسیده اند مدیریت از اعمال قانون سخت و زیان آور ظفره می رود چرا که باید مبلغ زیادی را که سالها از حق بیمه کارگران به جیب زده است را به تامین اجتماعی پرداخت کند.

۵ نبود برنامه صحیح در دوران کرونایی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیریت ایران خودرو نتوانسته است طوری برنامه ریزی کند که سالن های غذاخوری و رختکن ها با ازدحام کارگران روبرو نشوند و این باعث اعتراض کارگران در این طوفان کرونایی شده است. کارگران می گویند ۱۰ دقیقه افزایش استراحت برای خوردن غذا از ازدحام کارگران نمی کاهد. آنان پیشنهاد ایجاد میزهای غذاخوری در هر سالن و توزیع غذا را در بخشی از سالن ها به مدیریت ارایه داده اند تا هم تردد کم شود و هم ازدحامی صورت نگیرد.

۶ سود به چه بهایی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ایران خودرو دیزل تولیداتش نسبت به سالهای قب سه برابر شده و سودهای خوبی نیز دارد اما به چه بهایی؟ این سوالی است که کارگران از مدیریت می پرسند و پاسخی برای آن دریافت نمی کنند اما ما پاسخ شان را می دهیم. سوددهی به بهای: ۱- کم کردن سنوات بازنشستگی از ۴۵ روز به ۳۰ روز، ۲- تمدید نکردن قرارداد برخی از پرسنل قراردادی و وارد نمودن استرس به آنها ۳- از بین بردن مرخصی استحقاقی کارکنان ۴- کم کردن نیم درصد از اضافه حقوقی نیروهای پشتیبانی ۵- پرداخت نکردن چند ماهه و به تعویق انداختن هزینه های بیمه تکمیلی و دندان پزشکی ۶- پیگیری نکردن بازنشستگی پرسنل واجد شرایط ۷- عدم پرداختی های شب عید از جمله: پاداش رکورد و پول کفش و روز زن و مرد

۷ پیروزی کارگران پیمانکار ایران خودرو شادباش!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با اعتراضات چندین ساله کارگران و به ویژه یکساله اخیر، کارگرانی که تحت پوشش شرکت های پیمانکاری کار می کردند از این پس با ایران خودرو قرارداد مستقیم می بندند. در اواسط آبان در جلسه ای که مدیرعامل مجبور شد در آن حضور یابد ۱۳ نماینده کارگران پیمانکار نیز شرکت داشتند این موفقیت رسمی گردید. ۲۷۰۰ کارگر پیمانکار تبدیل وضعیت شده و دیگر کارگر ایران خودرو محسوب گشته و از مزایای ایران خودرو بهره مند می شوند. نمایندگان از سالن رنگ، تعمیرات قالب، نیروی

محرکه، سالن بدنه سازی، سالن پرس ... حضور داشتند. البته مدیرعامل قول داد که تمامی زیر مجموعه های ایران خودرو هم تبدیل وضعیت خواهند شد.

امیدواریم که هرچه زودتر با تلاش کوشندگان کارگری موضوع سختی کار و بیمه آینده ساز که چون سرطانی بازنشستگان را آزار می دهد هم حل شود. درود بر کوشندگان مصمم ایران خودرویی.

۸- ایران خودرو رکورد زد!!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اول آذر کارگران ایران خودرویی تولیدی ۲۶۲۵ خودرو را در کارنامه خود ثبت کردند که طی دو سال اخیر بی سابقه بوده است. اما چه اتفاقی در زندگی و دستمزد کارگران خواهد افتاد؟ بی تردید هیچ تغییری. کارگران با سختی کار، فشارکاری، اضافه کاری های پی در پی، عدم استخدام کارگران جدید، دستمزدهایی حقیرانه و نبود طبقه بندی مشاغل به روز، باید همچنان سر کنند. در هر موسسه ای در جهان اگر چنین اتفاقی می افتاد نه تنها مدیرعامل و دیگر مدیران از کارگران و تکنسین های کارخانه سپاسگزاری می کردند بلکه پاداشی در خور در انتظارشان بود. اما چه کنیم که مدیران ایران خودرویی به ارباب های روستاهای دهه ۲۰ بیشتر شبیه اند تا مدیران امروزی.

۹- سختی کار معضل کارگران ایران خودرویی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۶۰ نفر از کارگران موتورسازی که در سالن تری مری کار می کنند از سختی کار محرومند و بارها اعتراضات خود را به مدیریت منعکس کرده اند. اینان را با عنوان شغلی تعمیرکار، مدیریت از تحت پوشش قرار گرفتن در موضوع سختی کار مانع شده است. وضعیت کاری این کارگران که در ۱۰ متری زیر زمین کار می کنند و با هوای آلوده در تماس هستند و آن را تنفس می کنند وضعیت بهداشتی آنان را، با خطر روبرو کرده است و آنان در معرض آسم و سمی شدن دستگاه تنفسی و خونی قرار دارند. این کارگران به هنگام خرابی دستگاه مجبورند بدون ماسک مخصوص و کپسول اکسیژن داخل دستگاه را تعمیر کنند. متأسفانه هواکش هم قدرت کافی برای تهویه و هوارسانی ندارد و برای مدیریت هم اهمیت ندارد که آن را با فن قوی تری تعویض کند. آیا مدیریت نمی داند که چنین وضعیتی شامل سختی و زیان آور شغل است؟ بی تردید مدیران می دانند اما نمی خواهند حق سختی کار را به تامین اجتماعی بپردازند در ضمن می خواهند این کارگران به جای ۲۰ سال ۳۰ سال کار کنند تا کارگر دیگری را استخدام نکنند. جنایت های خاموش اینگونه شکل می گیرد.

۱۰- مدیران ایران خودرو کارایی ندارند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران ایران خودرو از بی مدیریتی و بی عرضگی مدیرانشان نمی دانند به کجا شکایت برند. به بخشی از مشکلات آنان که به سادگی قابل رفع هستند نظری بیفکنیم: ۱- کارگران خطوط تولید اعلام کردند که ۳ سال است کفش کار به آنان داده نشده است ۲- ماسک های داده شده بی کیفیت بوده و کش ماسک نزده پاره می شود ۳- ۴- ماه است که نه از فیش حقوقی چاپی خبری هست و نه جایی که بتوان پیگیر حقوق های واریزی شد ۴- کارگران ترابری سنگین می گویند با توجه به اینکه ماهیت کارمان سخت و زیان آور است فقط به دلیل یک اشتباه در ثبت عنوان شغلی، ۵ سال است سختی کار به ما تعلق نمی گیرد.

پیام سندیکا: البته از مدیران سفارشی و بیسواد بیش از این انتظار بی مورد است

۱۱- تامین اجتماعی و مصایب کارگران!

متاسفانه سیستم غلط در تامین اجتماعی و عمل نکردن به مقررات سازمان تامین اجتماعی توسط بازرسان و مدیریت نالایق و سفارشی باعث مصایبی برای کارگران بیمه شده می شود نمونه آن را که به پیتم سندیکا رسیده است در زیر بخوانیم:

«دوستان، من سی ساله در محیط سخت زیان آور کار میکنم ، سالن بدنه خودرو که هم زمان چهارصد دستگاه نقطه جوش با هم کار میکند که تمامشان هنگامی که ورق روغنی را جوش میدهی دود تولید میکند و پنجاه دستگاه جوش ۲۵۰ و سر و صدای ۹۰ دسیبل. مدت سی سال هم پیوسته در همین سالن بوده ام همکارانم ده سال پیش بازنشسته شدن رفتند با پول سنواتشون خانه و مغازه خریدن سه برابر من درآمد دارند. کلا شانس ندارم دو سال جبهه رفتم چهار سال قبل از ایران خودرو در جای دیگری کار کردم که بیمه آنجا هم تامین اجتماعی نبود یعنی از سال ۶۶ تا به حال ۳۶ سال کار کردم که با سربازی ۳۶ سال با سخت زیان آور میشود ۵۱ سال سابقه ولی هنوز بازنشسته نشدم.»

۱۲- مشکلات کارگران ایران خودرویی تمامی ندارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه مدیران ایران خودرو هر روز ادعا می کنند وضعیت کارگران ایران خودرویی بسیار عالیست، اما مشکلات کارگران یکی دو تا نیست:

۱- کارگران شاغل در مهرکام از اجرا نشدن طبقه بندی مشاغل و عدم شارژ بن کارت و معوقه های آکوردهای قبلی و کمی دستمزد می گویند ۲- کارگران شرکت زمان روب آسیا از عدم توزیع پک بهداشتی خبر می دهند و معلوم نیست کی این بسته بهداشتی به دستشان خواهد رسید ۳- رختکن جدید جهت فاصله گذاری اجتماعی در بدنه سازی ۶ می سازد اما غافل از آنکه سیستم گرمایشی کار نمی کند و باید راه اندازی شود آنهم در این سرمای پاییزی. ۴- سرویس هایی که کارگران را جابجا می کنند همچنان شلوغ بوده و فکری به حال آن تاکنون نشده است.

مدیریت خدمات رسانی ایران خودرو همیشه از مشکلات چند ماهی عقب است. وقتی مدیران سفارشی باشند کار از این بهتر نمی شود

معوقه های پرداختی در مجتمع مس سرچشمه



بنا به گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، مطالبات کارگری در این مجتمع کارخانه ای دچار تاخیرات زیر در پرداخت می باشد:

- شرکت سبافام از سال ۱۳۹۷ با وجود خاتمه ی فعالیت پیمانکاری اش، نسبت به تسویه حساب پیمانکاران دست دوم و برخی از نفرات خود اقدام ننموده است.

-شرکت فولمن در سال جاری از بیمه نمودن پرسنل در ماههای گذشته اجتناب نموده و از شهریور ماه موفق به پرداخت حقوق پرسنل نگردیده است؛ این شرکت ۵ ماه است از پرداخت مطالبات پرسنل تسویه حساب شده ی خود امتناع می ورزد.

-شرکت آزمون جوش از مرداد ماه نسبت به پرداخت حقوق پرسنل خود اقدام نکرده است.

-شرکت نیپیک از سال ۱۳۹۷ نسبت به پرداخت مطالبات پیمانکاران خود اقدام نکرده است.

- شرکت نیرو صنعت سرچشمه با وجود دریافت مطالبات مستقیم خود از کارفرمای اصلی، از شهریور ماه نسبت به پرداخت حقوق پرسنل و پیمانکاران خود اقدام ننموده است.

-شرکت دژپل پیمانکار معدن مس پس از گذشت یک سال و نیم نسبت به تسویه حساب نفرات تسویه شده اقدام نمی نماید.

-شرکت رامپکو در ماه های گذشته بطور منظم نسبت به پرداخت حقوق پرسنل اقدام می نماید.

گزارشگر پیام سندیکا- مجتمع مس سرچشمه

بی قانونی و چشم بستن مسوولین!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، متأسفانه بی قانونی تا آنجاست که حتا وزارت کار هم چشمانش را بر روی قانون بسته است تا یک موقع کارفرمایان چشم نخورند. کنند در شرکت فولاد کاویان کارگرانی با مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد مشغول کارند که برایشان مدرک دیپلم منظور شده است. این کارگران زیر نظر پیمانکار و با حقوق حداقل کارگری استخدام شده اند و بعد از چندین سال هنوز بدون هیچگونه افزایشی حقوق کارگر ساده را می گیرند. کار به اینجا ختم نشده و کارگران در این شرکت دو ماه یک بار حقوق خود را دریافت می کنند. این جوانان برای اینکه بیکار نشوند سکوت می کنند. آیا وزارت کار نباید بازرسانش به این موارد توجه کنند؟ آیا بازرسین تامین اجتماعی نباید از کارفرما بپرسند که چرا کارگری که برایت چندین سال کار می کند ارتقا حقوق نیافته؟

البته وقتی بازرس زیر میزی بگیرد بی تردید به این موضوعات نخواهد پرداخت.

پیمانکارهای بلای جان بیماران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکاران خدماتی که در بیمارستان ها فعالیت دارند هر روز از کیفیت و کمیت خدمات خود می کاهند. آنان برای برنده شدن در مناقصه ها تلاش می کنند قیمت کمتری پیشنهاد کنند. قیمت پایین تر یعنی کاستن از خدمات. متأسفانه مسئولین امر نیز با چشم باز این روش ناپسند را دیده ولی هیچکاری نمی کنند برای مثال پیمانکار خدماتی بیمارستان مدنی کرج اینگونه خدمات ارائه می کند: ۱- قطع سهمیه شیر و بیسکویت کلیه کارکنان بیمارستان به جز پاییون پرستاری آنهم فقط هفته ای دو روز. ۲- حذف دوغ و آب معدنی و میوه بیماران. فقط به بیماران کرونایی آب معدنی و میوه داده می شود. ۳- کاهش چشمگیر گوشت و مرغ در غذای بیماران که به نصف رسیده است. ۴- روغن مصرفی در غذاها ۳۰ درصد کم شده است. حجم نان بیش از ۳۰ درصد کاهش یافته است. ۵- به پرسنل آشپزخانه در آن هوای گرم فقط روزی یک ماسک داده می شود در حالی که حداقل باید دو ماسک در روز داده شود. ۶- سهمیه دستکش کارگران خدماتی آشپزخانه قطع شده است. ۷- ظرف ضد عفونی فقط در آشپزخانه گذاشته شده است آن هم برای نمایش که مسوول بیمارستان فقط ببیند و تایید کند. کارکنان خدماتی از ضد عفونی پرستاران استفاده می کنند.

اداره بهداشت، رییس بیمارستان و همه دست اندرکاران می دانند که با برگزاری هر مناقصه بخشی از خدمات حذف خواهد شد.

بی شرف هایی به نام کارفرما!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در شهر تهران محل کارهایی وجود دارد که باید این محل ها را بی شرفخانه نام نهاد. کارفرمای یک آشپزخانه غذایی واقع در بلوار فردوس تهران پس از استخدام کارگران، شناسنامه های آنان را گرو بر می دارد. پس از یکی دو ماه کار کردن به بهانه ای کارگر را اخراج می کند. اگر کارگر رضایت نامه ای را امضا کند و حقوقش را ببخشد، شناسنامه اش را می تواند پس بگیرد. این گونه اماکن بازرسین بیمه را هم می خرنند. این بی شرف به این زورگویی پسند نکرده به زنان و دخترانی که برایش کار می کنند، هم پیشنهادهای بی شرماته ای که نشأت گرفته از تربیت خانوادگی اش است، می کند. فقر فزاینده، نابسامانی اقتصادی و بی در و پیکر بودن روابط اجتماعی و عدم نظارت قانونی، به این بی شرف ها اجازه چنین برخوردهایی را می دهد. ننولیبرالیسم جز این اخلاقی را تولید نخواهد کرد. از کوزه همان برون تراود، که در اوست.

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



۱- معوق شدن بیش از دو ماهه شیر و کیک روزانه رانندگان شرکت واحد!

شیر و کیک روزانه رانندگان زحمتکش شرکت واحد نزدیک دو ماه است که معوق شده است. از سه سال پیش مدیریت شرکت واحد با برنامه‌ای اعلام نشده کاهش انواع مزایای مستمر همچنین عدم افزایش حقوق رانندگان و کارگران شرکت واحد در دستور کارش می‌باشد. اخیراً روند معوق شدن شیر و کیک روزانه رانندگان شدیدتر شده و مدیریت با سواستفاده از شرایط کرونایی و کاهش احتمال تجمعات اعتراضی کارگران، از مهرماه شیر و کیک روزانه رانندگان را نداده است. در سالیان اخیر بارها شارژ کارت اعتباری کارگران و شیر کیک معوق شده و آنجا که رانندگان و کارگران در برپایی اعتراض قدری تعلل کردند آن مزایا پرداخت نشده و البته برنامه مدیریت است که پرداخت‌های مختلف به کارگران را از اساس قطع کند و اگر تا امروز محقق نشده اعتراضات رانندگان در مقاطع زمانی مختلف بوده است. تقلیل دادن کت و شلوار سالیانه رانندگان به مبلغی ناچیز، معوق شدت لباس فرم رانندگان و لباس کار کارگران تعمیرگاه و توقفگاه، تاخیر چندین ماهه در پرداخت ۴ درصد حق بیمه کارگران در زمان بازنشستگی، تاخیر در پرداخت حق سنوات بازنشستگان تا یکسال و پرداخت اقساطی آن و درماه‌های گذشته تاخیر در پرداخت حقوق و عیدی، همه در راستای برنامه مدیریت برای محدود کردن مزایای مستمر و حقوق کارگران بوده است. سندیکا، رانندگان و کارگران را به مقابله با برنامه مدیریت برای حذف مزایا و محدود کردن حقوق، فرامی‌خواند. کارگران نباید به حرف‌های تفرقه انگیز مدیریت توجه کنند. مدیریت با فریب به گروهی از کارگران می‌گوید تاخیر در پرداخت سنوات و حق بیمه ۴ درصد که مشکل شما نیست، به گروهی دیگر می‌گوید شما در آستانه بازنشستگی هستید بخاطر شیروکیک و شارژ کارت اعتباری خودتان را به دردرسر

نیندازید و کارگران غافل نباشند که برای مقابله با برنامه محدود سازی مزایای مستمر و حقوق باید اتحاد سراسری داشته باشند. فراموش نکنیم که در سال ۸۴ حضور حداکثری کارگران در سندیکا موجب برقراری همه این مزایا و افزایش حقوق شد و برای حفظ مزایا همچنین افزایش آن کارگران باید با جدیت سندیکای خودشان را حمایت و در فعالیت‌ها مشارکت حداکثری داشته باشند.

۲- سخت‌گیری بی‌مورد مدیریت سامانه یک شرکت واحد در مورد مرخصی رانندگان و کارگرانی که از روز قبل اطلاع نداده‌اند !

مدیریت سامانه یک شرکت واحد با سخت‌گیری بی‌مورد، مرخصی رانندگان و کارگرانی که یک روز قبل مرخصی خود را اعلام نکرده باشند نمی‌پذیرد این سخت‌گیری در حالی است برای هر فرد یکبارہ ممکن است موضوعی پیش بیاید که لازم باشد از مرخصی استفاده کند. چطور کارگر باید پیش‌بینی کند که آیا فردا خود یا عضوی از خانواده‌اش بیمار می‌شود؟ یا عضوی از خانواده‌اش تصادف می‌کند؟ یا هر موضوع اضطراری دیگری برایش پیش می‌آید. با وجود اینکه از گذشته رانندگان در فردای روزی که به دلایل اضطراری از مرخصی استفاده کرده بودند، برگ مرخصی را تحویل می‌دادند و این امکان در سایر سامانه‌های دیگر همچنان وجود دارد. اما مدیریت سامانه یک با عدم پذیرش مرخصی تاریخ گذشته، فشار مضاعفی را بر رانندگان وارد می‌کند. سندیکای کارگران شرکت واحد به مدیریت راجع به سرفتر با رانندگان هشدار می‌دهد و از مدیریت می‌خواهد برای عدم تقابل رانندگان، در شرایطی که مدیریت نیاز به همکاری و اضافه کاری رانندگان دارد، فشار بر رانندگان را متوقف کند.

۳- کرونا، چرا فقط در اتوبوس‌های خط ۲ بی‌آرتی، کابین راننده از قسمت مسافران با نایلون جداسازی شده و در اتوبوس‌های سایر خطوط این جداسازی ارزان و موثر انجام نشده؟

نزدیک یکسال از شیوع کرونا می‌گذرد و رانندگان زیادی مبتلا به کرونا شده‌اند و تعدادی از همکاران هم بر اثر ابتلا به کرونا فوت شده‌اند. از ابتدا شیوع کرونا، رانندگان درخواست‌های بسیاری از مدیریت شرکت واحد برای فراهم ساختن شرایطی که خطر ابتلا رانندگان به کرونا را کمتر کند، داشته‌اند. یکی از درخواست‌ها که از کم هزینه‌ترین کارها بوده است، جداسازی کامل کابین راننده از قسمت مسافران از سقف تا کف اتوبوس

می‌باشد و در کانال تلگرام سندیکا نیز بسیاری مطلب راجع به آن نوشته شد اما این مورد فقط در اتوبوس‌های خط ۲ بی‌آرتی انجام شد و این حفاظ نایلونی ارزان قیمت در اتوبوس‌های سایر خطوط ایجاد نشد. مدیریت برخی سامانه‌ها در اقدامی نمایشی تنها کمتر از یک متر نایلونی را در پشت کابین راننده نصب کردند در حالیکه برای جداسازی فضای کابین راننده از مسافران باید از سقف تا کف و از طرفین تا شیشه‌های بغل اتوبوس با نایلون پوشانده می‌شد. اما چرا مدیرعامل شرکت باید تا این اندازه از مسائل مربوط به حفاظت بهداشتی رانندگان در این شرایط کرونایی پرت باشد و نسبت به آن بی‌اعتنا باشد؟ در حالیکه در خط ۲ بی‌آرتی به این مطلوبی و ارزان قیمت کابین راننده از قسمت مسافران جداسازی شده و نمونه عملی آن نیز موجود است؛ چرا نباید مدیرعامل دستور به اجرای این جداسازی در تمامی اتوبوس‌ها ندهد؟ انجام این کار ارزان قیمت که ربطی به کمبود بودجه ندارد.

۴- عدم تحویل لباس فرم و کاپشن رانندگان شرکت واحد در دو سال گذشته از سوی مدیریت !

درسالهای ۹۷، ۹۸ و ۹۹ لباس فرم بطور کامل پرداخت نشده و در هر کدام از این سال‌ها بخشی از این پرداخت‌ها کسر شده است نظیر کاپشن، لباس فرم، کمربند و جوراب، این کسر کردن بخش‌هایی از لباس کار کاملاً هدفمند صورت گرفته تا بتوانند به مرور زمینه حذف آنرا فراهم کنند. لباس فرم از خواسته‌های رانندگان شرکت واحد در موج اعتراضات و اعتصابات‌شان در سال ۸۴ بود و پس از آن هر ساله دو دست شلوار و پیراهن فرم، یک کمربند، یک جفت کفش و یک جفت جوراب به رانندگان داده شد. در سالیان اخیر بارها شارژ کارت اعتباری کارگران و شیر کیک معوق شده و آنجا که رانندگان و کارگران در برپایی اعتراض قدری تعلل کردند آن مزایا پرداخت نشده و البته برنامه مدیریت است که پرداخت‌های مختلف به کارگران را از اساس قطع کند و اگر تا امروز محقق نشده به دلیل اعتراضات رانندگان در مقاطع زمانی مختلف بوده است. تاخیر در پرداخت پاداش عدم تصادف، عدم پرداخت بن دانش آموزی، معوق شدن لباس فرم رانندگان و لباس کار کارگران تعمیرگاه و توقفگاه، تاخیر چندین ماهه در پرداخت ۴ درصد حق بیمه کارگران در زمان بازنشستگی، تاخیر در پرداخت حق سنوات بازنشستگان تا یکسال و پرداخت اقساطی آن و در ماه‌های گذشته تاخیر در پرداخت حقوق و عیدی، همه در راستای برنامه مدیریت برای محدود کردن مزایای مستمر و حقوق کارگران بوده است. سندیکا، رانندگان و کارگران را به مقابله با برنامه مدیریت برای حذف مزایا و محدود کردن حقوق، فرامی‌خواند. کارگران نباید به حرف‌های تفرقه انگیز مدیریت توجه کنند. مدیریت با فریب به گروهی از کارگران می‌گوید تاخیر در پرداخت سنوات و حق بیمه چهار درصد که مشکل شما نیست، به گروهی دیگر می‌گوید شما در آستانه بازنشستگی هستید بخاطر لباس کار،

شیر و کیک و شارژ کارت اعتباری خودتان را به دردرس نیندازید و کارگران غافل نباشند که برای مقابله با برنامه محدود سازی مزایای مستمر و حقوق باید اتحاد سراسری داشته باشند. فراموش نکنیم که در سال ۸۴ حضور حداکثری کارگران در سندیکا موجب برقراری همه این مزایا و افزایش حقوق شد و برای حفظ مزایا همچنین افزایش آن کارگران باید با جدیت سندیکای خودشان را حمایت و در فعالیت‌ها مشارکت حداکثری داشته باشند.

گزارشی از تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی



با فراخوان داده شده توسط جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی امروز ۲۸ آبان ماه راس ساعت ده و نیم صبح جلوی مجلس این تجمع شکل گرفت. عده خیلی کمی آمده بودند ولی به تدریج تا ساعت ۱۱ نفرات به بیش از ۵۰ نفر رسیدند. همه بدون استثناء ماسک زده بودند. حضور خانمها چشمگیرتر بود. از گروههای مختلف بازنشستگان، فلزکار مکانیک، بافنده سوزنی و افراد گروه تلگرامی بازنشستگان و مستمری بگیران حضور داشتند.

ابتدا برای بستن پلاکاردها با نیروی انتظامی محل هماهنگی بعمل آمد. بطور کلی نیروی انتظامی برخورد خوبی داشت. این بازنشستگان در اعتراض به

همسان سازی های ناعادلانه اخیر، مستمری های نامتناسب با شرایط فعلی، رایگان نبودن خدمات درمانی، پاسخگو نبودن مسوولان تامین اجتماعی به اوضاع خراب سازمان و اجرا نشدن اساسنامه صندوق های تامین اجتماعی گردهم آمده بودند. بخشی از شعارها چنین بود:

اختلاس ها قطع بشه، مشکل ما حل میشه شعار ما این زمان. معیشت است و درمان

منزلت، معیشت، سلامت حق مسلم ماست تورم، گرانی / بلای جان مردم

همسان سازی با دیگر بازنشستگان حقوق ما دو میلیون / خط فقر ده میلیون

یک بازنشسته که از کرمانشاه در این تجمع شرکت کرده بود در مورد مطالبات بازنشستگان صحبت کرد. پس از آن یکی از بازنشستگان فلزکارمکانیک پس از معرفی خود که بازنشسته فلزکارمکانیک است، در مورد همسان سازی حقوق ها که ناعادلانه بود حرف زد و در ادامه گفت که: «ما نشریه امید را مرتب چاپ و نشر می کنیم هرکس که می خواهد با شماره من تماس بگیرد. در ضمن در حال راه اندازی انجمن سالمندان هستیم که کل بازنشستگان را با هم متحد کنیم»

یک نفر از حراست مجلس آمد و از حاضران مطالبات را پرسید که رفیقمان حسین توضیحات کافی و مبسوطی داد. البته دیگران هم منجمله خانمها هم توضیح می دادند. پس از تجمع تراکت های دستی از طرف بازنشستگان فلزکار مکانیک توزیع شد. همچنین نشریه امید، نشریه بازنشستگان فلزکارمکانیک میان بازنشستگان معترض توزیع شد که جمعیت مشتاقانه آنها را گرفتند و برعکس دفعات قبل آن را در کیف خود پنهان نکردند و علنی در دست داشتند.

در پایان تظاهرات ۲ نفر جوان که خود را خبرنگار معرفی کردند سوالاتی درباره خواسته جمع و ادامه تظاهرات پرسیدند که به آنها گفته شد اگر رسیدگی نشود این تجمعات ادامه خواهد داشت. تجمع ساعت ۱۱ و ۴۵ دقیقه به آرامی خاتمه یافت.

مدیر عامل شستا به خودش می‌بالد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، رضوانی فر مدیر عامل شستا در مصاحبه‌ای که با رسانه خودش (شستا رسانه) کرده است گفته: «عملکرد مناسب شستا در پی انتصاب های مناسب و دقیق باعث شفافیت در شستا شده که در گذشته نبوده و در هیچ هلدینگی وجود ندارد. سود شستا در ششماهه نخست دو برابر سال گذشته بوده، شرکت های زیان ده از ۴۰ به ۶ رسیده، انتصاب زنان در هیات مدیره ها ۳ برابر شده است»

البته ایشان از رقم دستمزد این مدیران، پاداش های ناگهانی و پاداش آخر سال خودش و مدیران تحت امرش هیچ نگفته است و نسبت هزینه کرد کل مدیران این هلدینگ نسبت به سود را با سکوت برگزار کرده است. او نمی گوید سود ۲ برابری ششماهه اول سال چه بلایی سرش آمده و به کجا رفته است؟ که هر روز تامین اجتماعی از درمان کارگران و بازنشسته هایش می‌کاهد؟ او در مورد زیان شرکت هایی که به بورس واگذار شده اند هم حرفی نمی زند.

در علم تجارت شفافیت یعنی سود منهای هزینه ها و اعلام آنچه از سود باقی مانده و در چه مسیری قرار گرفته است و یا سرمایه گذاری شده است. بی تردید تا آخر سال تق این اظهارات بی مایه در خواهد آمد چرا که بیمه شده های تامین اجتماعی هر روزه می بینند که چگونه خدمات درمانی به جای افزایش کاهش می یابد.

کرونا و بیمه های بی خاصیت تکمیلی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آمدن بیماری کرونا و هزینه های سنگین آن، بیمه های تکمیلی در شرکت های بزرگی چون ذوب آهن و ایران خودرو بیماران کرونایی را تحت پوشش قرار نمی دهند. بیمه آتیه سازان هم که بازنشستگان تامین اجتماعی را در بر می گیرد نیز بیماری کرونا را جزو بیماری های تحت پوشش خود نمی داند. متأسفانه زد و بندها در قراردادهای این بیمه های تکمیلی با مسوولین مربوطه، دهان مسوولینی که این قراردادها را برای کارگران و مستمری بگیران منعقد کرده اند را بسته است و به همین دلیل با اینکه ۹ ماه از ورود این بیماری به کشور می گذرد این مسوولین هیچ قدمی برای بیمه شده های تکمیلی خود چه در ایران خودرو و چه در ذوب آهن و چه در صندوق های دزد زده بازنشستگی بر نمی دارند و کارگران را با این بیماری تنها گذاشته اند.

قرارداد جدید بیمه تکمیلی!!؟

در حالیکه بازنشستگان سی سال هر ماه حق بیمه پرداخت کرده اند که در هنگام بستری شدن در بیمارستان و یا برای علاج بیماری خود یک کمک هزینه درمان مناسب از سازمان دریافت نمایند، دولت یک بیمه دیگری بنام بیمه تکمیلی را به آنها تحمیل کرده است که ناچاراً هر ماه باید یک حق بیمه دیگری را پرداخت نمایند. قرارداد سال ۱۳۹۸ بیمه تکمیلی آتیه سازان با کانون بازنشستگان در پایان آذر ماه به پایان رسیده و قرارداد جدیدی مجدداً نوشته شده است. علی اصغر بیات رئیس کانون عالی کارگران بازنشسته و مستمری بگیر تامین اجتماعی کشور در رابطه با این قرارداد میگوید که در این قرارداد سهم سازمان تامین اجتماعی ۷ برابر یعنی از ۳ هزار تومان به ۲۱ هزار تومان و سهم کارگران از ۴۱ هزار تومان به ۴۴ هزار تومان رسیده است. او توضیح نمیدهد که سازمان تامین اجتماعی این ۲۱ هزار تومان را از کجا میآورد، آیا از آسمان میآورد؟ یا دولت آنرا به سازمان پرداخت میکند؟ آیا غیر از این است که آنچه سازمان پرداخت میکند اندوخته خود کارگران است؟ آیا واقعیت این نیست که تمامی (۲۱+۴۴) ۶۵ هزار تومان را خود کارگر پرداخت میکند؟ اگر ۲۱ هزار تومان را کارگر پرداخت میکرد و ۴۴ هزار تومان آن را از خزانه دولت پرداخت میکرد، می توان نام آن را بیمه تکمیلی گذاشت اما وقتی تمام حق بیمه را کارگر به یک بیمه گر میدهد؛ کجای آن یک بیمه تکمیلی است؟ این فریبکاری است، یک دزدی است!! یک دزدی که حاکمیت و بیمه های خصوصی از جیب کارگران میکنند و علی اصغر بیات و دار و دسته او بر روی آن سرپوش میگذارند. کارگران خود یک سازمان بیمه دارند که این سازمان بعد از بانک مرکزی یکی از ثروتمندترین نهادهای این کشور است و آنها نیاز به بیمه گر دیگری ندارند. بیات برای امکانات جدید این قرارداد به به و چه میگوید ولی از این سخن نمیگوید که سهم کانونهای بازنشستگی از این قرارداد چقدر است؟ او این اطلاعات را نمیدهد چون مشخص میشود که این گفته کانونی ها که میگویند “دشمن بیمه های تکمیلی هستند”؛ فقط یک ادعاست!! وجود و بقای تشکیلات کانون عالی کارگران بازنشسته و مستمری بگیر در همین قراردادهای بیمه های تکمیلی است تا با همکاری دولت بخشی از پول های بازنشستگان را اینگونه قراردادهای به جیب بزنند. بیمه تکمیلی نباشد؛ این کانونها هم نیستند!! پس این کانون ها مجبورند این بیمه های تکمیلی را حفظ نمایند تا خودشان برقرار باشند!!

بازنشسته تامین اجتماعی اسماعیل گرامی

نامه جمعی از اعضای صندوق بازنشستگی آینده ساز

این نامه که برای علی خدایی نایب رییس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار کشور ارسال گردیده، نسخه ای هم برای پیام سندیکا فرستاده شده تا اطلاع رسانی گردد.

جناب مهندس علی خدایی نایب رییس محترم کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار کشور با سلام و عرض ادب،

احتراما به استحضار عالی می‌رساند، اساسنامه جدید صندوق بازنشستگی آینده ساز که پس از سالها تلاش و درخواستهای مکرر اعضا وفق قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، تدوین و پس از تصویب در هیئت محترم دولت در مورخه هفتم فروردین ماه سال جاری توسط وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی جهت اجرا ابلاغ گردیده است، معه‌ذا با سنگ اندازی دست‌های پنهانی که اجرای قانون، با منافع آنان در تضاد است به چالش کشیده میشود. از آنجایی که انبوه مطالبات برجای مانده کارگران شاغل و بازنشسته این صندوق بازنشستگی انباشته گردیده و موجبات ضررهای مادی و معنوی و اجتماعی چه برای فرد فرد کارگران و بازنشستگان و چه برای واحدهای تولیدی را موجب گردیده است، از جنابعالی استدعا داریم به عنوان دفاع از حقوق حقه کارگران و پاسداری از قوانین حمایتی نظام جمهوری اسلامی همچون قانون کار و قانون تامین اجتماعی کشور، به یاری کارگران شتافته تمام پتانسیل‌های آن نهاد کارگری را در این راه به کار گیرید. لازم به ذکر است که اکثریت اعضا این صندوق، شاغل یا بازنشسته شرکتهای بزرگی همچون مجموعه های بزرگ ایران خودرو، سایپا، شرکتهای مجموعه تراکتورسازی و ماشین سازی تبریز، آذرآب، کمباین سازی، هپکو، ماشین سازی اراک و بوده اند که با اجبار سازمان گسترش در دهه های ۶۰ و ۷۰ به عضویت این صندوق درآورده شده اند. متأسفانه علاوه بر اینکه در موضوع همسان سازی حقوقها، بازنشستگان این صندوق فراموش شده اند، حقوقهای ماهیانه کارگران بازنشسته عضو این صندوق نیز سالها با اجحافات غیر قابل تصویری روبرو بوده است، از سوی دیگر کارگران شاغل عضو

صندوق نیز بهره مندی از بند قوانین کار و تامین اجتماعی همچون ماده ۷۶ و ۸۲ قانون را خواستارند.

جمعی از اعضاء صندوق بازنشستگی آینده ساز ۱۸ آبان

کاغذ بازی در تامین اجتماعی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، سالاری مدیرعامل تامین اجتماعی در آخرین اظهاراتش چنین می گوید: «با هدف کاهش مراجعات حضوری به شعب و کارگزاری های سازمان از ۱۹ آبان طرح ۳۰۷۰ این سازمان رونمایی شد»

این سخنان بی پشتوانه در حالی زده می شود که کاغذبازی به امری اصلی در این سازمان تبدیل شده است به عنوان نمونه هر کارگری می تواند با مراجعه به یک کافی نت کلیه سوابق خود آگاه شود اما اگر همان کارگر با مراجعه به هر شعبه از سازمان تامین اجتماعی مراجعه کند و بخواهد سوابق خود را جمع کند ۱- باید پرسشنامه ای را پر کرده که حافظه انیشتین می خواهد ۲- حداقل ۵ نفر که اصلن هیچ کاری به جز امضا کردن ورقه شما ندارند باید آن را پاراف کنند ۳- یک هفته طول می کشد تا به شما پاسخ بدهند.

آیا این روش کاری با سخنان مدیرعامل همخوانی دارد؟ امضا کردن هر نامه ای به دست ۴ یا ۵ نفر چه معنی جز کاغذ بازی دارد؟

سازمان تامین اجتماعی تا به روز شدن فاصله ای ۲۰ ساله دارد و در ادارات این سازمان رواج کاغذ بازی جز سرگردان کردن بیمه شده در این دوران کرونایی هیچ نتیجه دیگری تاکنون نداشته و نخواهد داشت.

از بیمه تامین اجتماعی، واقعن چه چیزی باقی مانده؟!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، گزارش میدانی به نقل از یک بازنشسته ی تامین اجتماعی را در اینجا منتشر می کنیم: «دوستان من بیماری قلبی دارم و باید هر سه ماه یکبار برای اکو و تجدید داروهایم به پزشک متخصص قلب مراجعه نمایم. سه شنبه است (۲۰ آبان) و برای آنکه جزو نوبتهای اول باشم صبح خیلی زود از خانه می رزم بیرون برای مراجعه به بیمارستان ملکی تامین اجتماعی که هزینه های دارو و درمان نداشته باشم. پس از ویزیت پزشک به داروخانه بیمارستان مراجعه می کنم اما آنها می گویند دارویت را باید استعلام کنیم که یک ساعت طول می کشد. پس از یک ساعت می گویند زود آمدی برو فردا بیا. دفترچه را می گیرم و از بیمارستان بیرون می آیم. روز پنجشنبه ۲۲ آبان است، برای گرفتن دارو به داروخانه ی بیمارستان مراجعه می کنم. می گویند سایت تامین اجتماعی قطع است، برو شنبه بیا. شنبه ۲۴ آبان داروها را گرفتم ولی ۵۵۰۰۰ ریال بعنوان سهم بیمه گذار پرداختم که غیر قانونی است» به نظر شما با این شیوه مدیریت آیا از بیمه تامین اجتماعی، واقعن چه چیزی باقی مانده؟!!

کمک فقر به موفقیت کرونا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مجتمع نسیم و مجتمع سپیده که اولی ساکنانش از خانواده های نظامی است، در شهرک اندیشه واقع شده اند و یکی از شهرک های اقماری نزدیک به تهرانند و بیشتر زحمتکشان در آنجا سکونت دارند. این دو مجتمع بیش از هزار خانواده را در خود جای داده اند. متأسفانه با موج دوم و سوم بیش از ۱۰۰ نفر در این دو مجتمع مبتلا به کرونا شده و نزدیک به ۱۰ نفر نیز به کام مرگ کشانده شده اند. شوربختانه مسوولین از ضدعفونی کردن معابر و ساختمان های این مجتمع ها خودداری کرده حتا از ضدعفونی کردن راه پله ها و دیوارهای آن واحدهایی که مبتلا به کرونا شده اند طفره رفته اند. در شهرک اندیشه به دلیل فقر مردم نمی توانند رعایت موارد بهداشتی علیه کرونا را انجام بدهند. نانوائی ها با گرفتن پول از مشتریان به جای کشیدن کارت پول، به این بیماری کمک می کنند و نظارتی هم از سوی دستگاههای مربوطه نمی شوند. بسیاری از مردم در این شهرک توان خرید ماسک و مواد ضدعفونی را ندارند.

آیا وقت آن نرسیده که ماسک و ضدعفونی توسط دولت رایگان اعلام شود. پول مهمتر است یا جان انسانها؟

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

زندگی با مزد قانون کار

چه کسانی نعمتها را بین خودشان تقسیم کرده اند؟ چه کسانی حقوق کارگران را تایین کرده اند؟ چه کسانی فقر بوجود آورده اند؟ چه کسانی نمی توانند از حق و حقوقشان دفاع کنند؟

چند روز پیش با یک نفر صحبت می کردیم در شرکتی مشغول است. خیلی هم خوشحال بود که بیکار نیست. خیلی ها محتاج همین کار هم هستند گیرشان نمیداد خیلی ها هم چند شغل دارند. اگر در کشور کار نیست. چطور بعضی ها چند شغل دارند. خوب است بگوییم. مدیریت نیست. مسئولان چرا به یک نفر پروانه کار دوم را می دهند. زمانی که صدها لیسانس بیکارند. یک نفر می گفت: «چند ساله بازنشست شدم ولم نمی کنند. قرارداد بستند. دو باره کار می کنیم» خیلی عجیب است پرسیدم: «چرا ولتان نمی کنند؟» گفت: «کسی نیست کار منو انجام بده» گفتم: «خدا را شکر نمردی والا کشور فلج می شد» چرا مسئول آن اداره برای جاکزینی ایشان فکرشو نکرده در نبودش چکار کنند.

بدوست دیگری گفتم: «با حقوق قانون کار چگونه زندگی می کنید؟» گفت: «بیا بریم خونه ما بگویم. بگویم خدا چگونه زندگی ما را می چرخاند» رفتیم خونه یشان گفت: «اون اتاق را می بینی پتو پهن کردیم، زمانی آنجا یک فرش بود، فروختیم. می بینی دست و گوش و گردن همسرم خالی است، زمانی در آنجاها طلا بود. آن باغچه را می شناختی از پدرم ارث رسیده بود، الان فروختیم. خدا کریمه. ماه آینده هم در تلگرام آگهی گذاشتم کلیه هامو خواهم فروخت. خدا برکت بده به مزد قانون کار. اینطوری خرج می کنیم و زندگیمان را تامین می کنیم»

در کشور ۸۰ درصد کار می کنند ۲۰ درصد می خورند. کشورمان از هر لحاظ در دنیا نمونه است. اگر درست مدیریت شود. نه بیکار، نه فقر، نه مشکلی هست. اما از هر خانه ای که دود اسپند بلند می شود. حتماً مادری نگران است. بیشترین نذرها را کارگران می دهند. دوستم می گفت: «پولهای یک امام زاده را جمع می کردند، به آقا گفتیم از این پولها به چند کارگر کمک کنید بهتر نیست؟» گفت: «همان کارگران این پولها را به آنجا انداخته اند !!!!»

دروغ بر کسانی که آبرومندانه با حقوق معمولی در بیشتر اداره ها و سازمانها مخصصان در اداره آموزش و پرورش زندگی شرافتمندانه ای دارند.

کازیم عاشقی

اگر جامعه طبقاتی نباشد!

در این جامعه آدم‌ها به بالا شهری و پایین شهری تقسیم نمیشوند!

در این جامعه کران تاکران شهرهایش را که متر کنی، اثری از کارتون خوابها نخواهی یافت و اتومبیل‌های گران قیمت را فقط تصاویرشان را در مجلات پیدا خواهی کرد!

در خیابان‌های مهم و بزرگراه‌هایش اثری از باتوان آرایش کرده و آماده‌ی تن فروشی نخواهی دید!

در این جامعه تا دلت بخواهد کتابخانه‌های بزرگی هستند!

در جامعه‌ی غیر طبقاتی همه در یک رفاه درخور انسانیت زندگی می‌کنند!

در این جامعه، هیچ شهرداری در هیچ شهری از اموال مردم برای خودش و فرزندانش و بستگانش خانه و زمین مجانی نمی‌بخشد!

در این جامعه دادگاه‌ها اصلاً مراجعه‌کننده‌ی مهمی ندارند، و اصلن دادگاهی تشکیل نمی‌شود!

در اینگونه جوامع مردم معمولاً همه شاغلند یعنی بیکاری رقم منفی و غیر قابل باوری دارد

در چنین جوامعی اصلاً هیچ پدری، هیچ معلمی، هیچ مادری شرمنده‌ی کسی نیست!

در این جامعه هیچگاه برای افتتاح یک مدرسه‌ی درجه‌ی سوم در روستای نورآباد ممسنی روبان قچی نمی‌کنند!

در این جامعه مردمش هرگز پشت در، هیچ بیمارستانی به ملکوت اعلی نمی‌روند! هیچ مسئولی نه وعده میدهد و نه دروغ می‌گوید و نه اقامت اروپا و کانادا دارد!

در این جامعه کسی سگ گران قیمت خود را از یک کودک کار در خیابان عزیزتر نمی‌داند!

در این جامعه هیچ فعال کارگری، اجتماعی، زنان، دانشجویی و نویسنده و هیچ متفکری را امکان ندارد شما پیدا کنی که حتی یک روز زندان رفته باشد! بیاییم جامعه‌ی بدون طبقات را با همگامی سندیکا‌های کارگری ایجاد کنیم.



✓ از جلو روزنامه‌فروشی محل در پاریس که رد شدم فروشنده با هیجان گفت: موسیو جلیلی، صفحه اول روزنامه اومانیته عکست چاپ شده! گفتم ممنوم، یه دونه نگهدار عصر میام میگیرم.

✓ به شرکت که رسیدم، مدیر گفت باید سریع بری آمریکا فستیوال ساندنس. فیلم رقص خاک رو خواسته، دعوتنامه را هم داد دستم.

✓ رفتم سفارت آمریکا، خانم کریستین که پشت شیشه بخش ویزا بود بی‌آنکه نگاهم کنه گفت: پاسپورت لطفا!

دادم. بی‌درنگ گفت ایران؟ نمیشه!

- چرا خانم؟ من کارگردانم، فیلمم در فستیوال ساندنس پذیرفته‌شده باید برم.

گفت: دروغ میگید.

- دعوتنامه دارم، با دست خط رابرت ردفورد رئیس جشنواره! نشونش دادم گفت: باورم

نمیشه! ایرانی‌ها همشون دروغ‌گو اند!

- گفتم خانم میشه یه لحظه نگاه کنید.

گفت خیر! لطفا تشریف ببرید.

- یه دفه یاد روزنامه اومانیته افتادم. گفت اگه بیاری قبوله!

✓ رفتم روزنامه را آوردم. کریستین روزنامه رو نگاه کرد و با پاسپورت چک کرد: چه مدت ویزا میخوایید؟

گفتم: «هیچی» گفت: «یعنی چه!» گفتم: «یعنی که دیگه ویزا نمی‌خوام» گفت: «پس چرا

اینهمه تلاش کردی؟!» گفتم: «برای اینکه بگم همه ایرانی‌ها دروغ‌گو نیستند!»

نگاهم کرد، با احترام از جا بلند شد و من سفارت رو ترک کردم!

ابوالفضل جلیلی/فیلمساز

مادر در هر شرایطی مادر است!

نظافتچی ساختمان یک زن جوان است که هر هفته همراه دخترک ۴-۵ ساله‌اش می‌آید. امروز درست جلوی واحد ما صدای تی کشیدنش قاطی شده بود با گپ زدنش با بچه‌ش. پاورچین، بی‌صدا، کاملاً فضول! رفتم پشت چشمتی در. بچه را نشانده بود روی یک تکه موکت روی اولین پله.

بچه گفت: بعد از اینجا کجا میریم...

مامان: امروز دیگه هیچ‌جا. شنبه‌ها روز خاله بازیه...

کمی بعد بچه می‌پرسد: فردا کجا میریم؟

مامان با ذوق جواب می‌دهد: فردا صبح می‌ریم اون‌جا که یه بار من رو پله‌هاش سُر خوردم ... بچه از خنده ریشه می‌رود.

مامان می‌گوید: دیدی یهو ولو شدم؟

بچه: دستتو نگرفته بودی به نرده میفتادیا...

مامان همان‌طور که تی می‌کشد و نفس‌نفس می‌زند می‌گوید: خب من قوی‌ام.

بچه: اوهم... یه روز بریم ساختمون بستنی... مامان می‌گوید که این هفته نوبت ساختمون بستنی نیست.

نمیدانم ساختمان بستنی چیست. ولی در ادامه از ساختمان پاستیل و چوب شور هم حرف می‌زنند.

بعد بچه یک مورچه پیدا میکند... دوتایی مورچه را هدایت می‌کنند روی یک تکه کاغذ و توی یک گلدان توی راه‌پله پیاده‌اش میکنند که "بره پیش بچه‌هاش..."

بگه منو یه دختر مهربون نجات داد تا زیر پا نمونم"

نظافت طبقه ما تمام میشود... دست هم راه می‌گیرند و همین‌طور که می‌روند طبقه پایین درباره آن دفعه حرف می‌زنند که توی آسانسور ساختمان بادام زمینی گیر افتاده بودند.

مزه‌ی این مادرانگی کامم را شیرین می‌کند.

مادرانگی‌ای که به زاییدن و سیر کردن و پوشاندن خلاصه نشده. مادر بودن که مهدکودک دو زبانه، لباس مارک، کتاب ضدآب و برشتوکِ عسل و بادام نیست.

ساختن دنیای زیبا وسط زشتی‌ها از مادر، مادر می‌سازد.

سودابه فرضی پور

هیچ‌یک از ما، از «کرونا» قوی‌تر نیستیم!

ترسی ندارید؟ فکر می‌کنید قوی‌تر از این ویروس لعنتی هستید؟ پس بگذارید من به عنوان پزشک اورژانس به شما بگویم که هیچ‌یک از ما از این ویروس قوی‌تر نیستیم ... هیچ‌یک! برای پیشگیری از این ویروس می‌بایستی:

فاصله تان را با دیگران حفظ کنید ... دیگر با هیچ‌کس دست ندهید ... معاشرت را متوقف کنید ... کلیه سفرها را قطع کنید، مگر این که واقعن ضروری باشد ... با استفاده از دستمال کاغذی در حین سرفه و عطسه، از خود و اطرافیانتان محافظت کنید. اگر مراقب خودتان نیستید، حداقل نگذارید دیگران به واسطه شما مریض شوند! عملکرد اشتباه شما می‌تواند سبب مرگ افراد مسن شود! ... یا اینکه سبب سرایت به جوان‌ترها شود ... و یا با حضور بی مورد در بیمارستان‌ها مانع از انجام اقدامات درمانی برای سایرین شوید.

هم‌اکنون ... تمامی موارد ذکر شده را باید انجام دهید تا سبب کاهش فشارها و استرس‌های موجود شود. شما این قدرت را دارید که انتقال این ویروس را کاهش دهید و در نتیجه به ما کادر درمانی نیز در مدیریت کردن هرچه بهتر این شرایط کمک دهید.

من رعایت تمامی موارد ذکر شده در بالا را به عنوان یک پزشک نگران از شما عاجزانه خواستارم.

کوهنورد فرانسوی، پزشک اورژانس و راهنمای معروف کوهستان «پیر مولر» منبع: صفحه «پیر مولر»

برداشت و بازنشر با ذکر منبع؛ «کوهنوشت»

این مطلب را دوست بزرگوارن عباس صادقی برایمان فرستاده اند

دیروز مطمئن شدم که ماسک زدن خیلی هم ربطی به شعور نداره!!

سر شب تو هوای سرد، تو تاکسی که سه نفر رو بیشتر سوار نمی کنه، نشسته بودم، آقای هم بیرون تاکسی ایستاده بود، دیرم شده بود، به راننده گفتم بگو سوار بشه تا بریم دیگه... گفتم ماسک نزنه، سوارش نمی کنم، بعد اضافه کرد: «خیلی وقته وایستاده، بدون ماسک کسی سوارش نمی کنه، اتوبوس هم نیست!» تو کیفم ماسک اضافه داشتم، بهش دادم و سوار شد. کلی تشکر کرد و همش خودشو گوشه ی تاکسی جمع می کرد تا فاصله رو بیشتر رعایت کرده باشه. سر صحبت رو باز کردم و گفتم: «اگه ماسک بزنن خودتون سلامت می مونین...» گفت: «کارگرم، هزینه ی زندگی نمی رسه که بخوام ماسک و اسپری ضد عفونی هم بخرم...» بعد به یه روسری که دور گردنش بود اشاره کرد و گفت: «همینو می زنم، هر شب هم می شورمش» گفتم: «خوب به خاتمت بگو از همین روسری برات ماسک درست کنه!» با تعجب گفت: «مگه می شه؟ چجوری»

تو دلم گفتم اینهمه کلیپ تو فضای مجازی که طرز تهیه ی ماسک رو آموزش داده، یعنی به اینها هم دسترسی نداره، بعد من براش نسخه ی بی فرهنگی و بی شعوری می پیچم! با دستمال و نایلونی که همراه بود، طرز درست کردن ماسک رو بهش یاد دادم، خیلی دقت کرد و خودش هم امتحان کرد تا مطمئن بشه یاد گرفته. نزدیکای میدون، پولشو در آورد و به راننده گفت: «کرایه ی این آجی رو من حساب می کنم» شوکه شدم، گفتم: «دلیلی نداره که شما کرایه ی منو حساب کنین...» گفت: «درسته انسانیت شما رو نمی شه با کرایه ماشین جبران کرد، ولی من بیشتر از نیم ساعت زیر آفتاب وایستاده بودم، خیلی ها فهمیدن که به خاطر ماسک کسی سوارم نمی کنه، شاید ماسک اضافی داشتن، اما به خاطر قیافه و ظاهرم بهم ندادن، تنها کاری که می تونم براتون بکنم، دعا کردن و حساب کردن کرایه ی منو» خلاصه از او اصرار و از من انکار که تیر خلاص رو راننده زد که کرایه ی هر کسی رو از خودش می گیرم. وقتی پیاده شدم دلم سوخت، شاید پول ماسک برای من پول خرد بود، اما برای خیلی ها بار اضافه است، شرمنده بودم از قضاوت زود هنگامم و خوشحال از این که ماسک اضافی داشتم.

شاید صدقه ی این روزهامون، دادن ماسک به افراد بدون ماسک و دو تا پیس کوچک، اسپری ضد عفونی کف دستاشون باشه... بیاییم سفیر مهربانی او باشیم ...

سوال هایی که بسیار زیاد مطرح می شود!

مدت هاست در هر جمع و گروهی این سوال طرح می شود که: چرا در ایران اختلاس زیاد است؟ تهمت فراوان است؟ دروغ بی شمار است؟ چرا زیرآب زنی در کار و خیانت در شغل و فساد در خانواده افزون شده است؟ چرا جوانان به مواد مخدر روی آورده اند؟ چرا رابطه های آنچنانی رواج یافته؟ چرا میزان تصادفات رانندگی زیاد شده؟ چرا دعوای خانگی و خیابانی و چاقو کشی و قتل و جنایت و تجاوز روز به روز بیشتر می شود؟ چرا تحمل ایرانی ها کم شده؟ چرا فحش زیاد شده؟ چرا هر کس که سفری به اروپا می کند می گوید انجا احترام دیده و در ایران بی احترامی....؟ چرا و چرا؟

مگر از صبح تا شب نوای دین از صدا و سیما به گوش نمی رسد؟ مگر هر هفته در کل کشور نماز جمعه برگزار نمی شود؟ مگر این همه مداح و سخنران که شب و روز از خدا و پیغمبر می گویند کم است؟ پس چرا مشکلات اخلاقی جامعه روز به روز اسفناک تر و فجیع تر می شود؟؟ خلاصه: چرا جامعه ایران از اخلاق دور شده است؟

پاسخ این همه سوال فقط یک عبارت است: «ابهام از آینده و اخلاقی زیستن» در واقع به دلیل مبهم بودن آینده، اخلاقی زیستن بر پایه عدالت، احسان، رعایت ادب و.. به مرور زمان کمرنگ میشود. آینده ی مبهم و نامعلوم افراد از نظر مالی، شغلی و.. آستانه اخلاق و تحمل را در هر جامعه ای کاهش می دهد. به طور مثال، در جامعه ای که همه افراد با هر تخصصی می توانند شغلی داشته باشند، کارشکنی، حسادت، تهمت، سخن چینی، چاپلوسی و.. کمتر است. به طور کلی در جامعه ای که نیازهای اساسی انسان ها در آن تأمین می شود، افراد بر پایه موازین اخلاقی زندگی می کنند. پس اخلاقی زیستن ارتباطی به نصیحت های اخلاقی و ازدیاد مجالس دینی ندارد.

اخلاقی زیستن نیاز به آرامش ذهنی و ثبات اقتصادی دارد. به جای صرف هزینه های بسیار برای دعاها و مستحبات کمال و ندبه و سخنرانی های خسته کننده و مداحی های سوزناک و خرج برپایی مجالس و همایش های بی اثر؛ بهتر است این ثروت عمومی را به واجبات مردم مخصوصا ازدواج و شغل منتقل کنید. جوانی که شغل دارد و ازدواج کرده، با خوش بینی به آینده می نگرد و همین آرامش به او زندگی اخلاقی بهتری هدیه خواهد داد. پس لطفا مستحبات را کم کنید و به واجبات برسید! **مصطفی ملکیان**



روزانه پانزده هزار کودک در جهان از ویروس "گرسنگی" می میرند.
درمان این ویروس هم هزاران سال است که کشف شده.
غذا...!

ولی این ویروس هرگز ریشه کن نشد.
هیچکس هم در جهان برایش وضعیت فوق العاده اعلام نکرد.

بیاموزیم و به کار ببندیم!

هانا آرنت و کارل یاسپرس پس از جنگ جهانی به بحث فلسفی و روان‌شناسی جنایات نازی‌ها پرداختند. آنها سعی کردند به این سوال پاسخ دهند که چگونه مردم در مقابل نظام‌های فاشیستی و توتالیتاریست تسلیم می‌شوند و به آنها اجازه می‌دهند دست به جنایات سازمان‌یافته بزنند.

هانا آرنت چند الگوی شایع در بین جنایتکاران نازی پیدا کرد. یکی از آنها الگوی “مهره یک سازمان” بود، الگوی کسانی که خود را پیچ و مهره یک سازمان می‌دانستند و مطیع اوامر مافوق بودند. آنها اعتقاد داشتند شغلی به آنها محول شده و آنها به وظایف شغلی‌شان عمل می‌کنند و اگر آنها به این وظیفه عمل نکنند فرد دیگری آن ماموریت را انجام خواهد داد و فرقی در نتیجه ایجاد نخواهد شد! این الگوی جنایت‌های “آدولف آیشمن” بود. الگوی دیگر جنایتکاران نازی، الگوی “هاینریش هیملر” فرمانده اس‌اس (سپاه سیاسی-نظامی هیتلر) بود. الگوی هیملر الگوی یک “مرد خانواده” بود: “چنین مردی به خاطر حقوق ماهانه، تامین زندگی خود و امنیت و آرامش زن و فرزندانش حاضر بود اعتقادات، شرف و شأن انسانی خود را زیر پا بگذارد، حاکم شدن امر خصوصی بر امر عمومی به او اجازه می‌داد که از قید مسئولیت اعمال خود یکسره آزاد باشد.” چنین الگویی امروزه در جامعه ما نیز به وفور به چشم می‌خورد: من فقط مسئول خانواده خودم هستم!

همدستی بین تکنوکرات‌هایی که با الگوی “کارمند مطیع” و “پدر خانواده” به مدیریت سازمانی جنایات می‌پرداختند و “اوباشی که از جنایت و خشونت لذت می‌بردند منجر به رویش ماشین عظیم کشتار هیتلر و سوختن زندگی میلیون‌ها انسان شد.

در این بین، کسانی هم با سکوت در برابر جنایات نازی ها به “شرّ کهنتر” تن دادند و “حسابگری شخصی” را جایگزین “مسئولیت مدنی” کردند، همان الگوی “ما نه سر پیازیم، نه ته پیاز!” که در فرهنگ ایرانی هم بسیار شایع است.

کارل یاسپرز در مقاله اش موضوع “گناه سیاسی” را مطرح کرد: همه اعضاء جامعه مسئول شیوه حکومت جامعه اند و هر کس که از این مسئولیت مدنی شانه خالی کند در “گناه سیاسی” حکومت شریک و مقصر است.

هانا آرنت در نهایت به کسانی پرداخت که حتی با وجود خطر مرگ از همکاری، تسلیم و سکوت در برابر جنایات حکومت خودداری کردند. آرنت تاکید می کند که این افراد ضرورتاً تحصیل کرده نبودند یا بینش فلسفی نداشتند.

چگونه دولت جیب بازنشستگان را می زند؟!

معمای قیمت مداخله ای بالای دلار

❖ یک کارگر بیمه شده تامین اجتماعی اگر به جای پرداخت حق بیمه سکه طلا خریده بود، پس از ۳۰ سال اکنون ۳۷۰ سکه طلا داشت که ارزش روز آن (با احتساب قیمت سکه ۱۳ میلیون تومان) ۴,۸ میلیارد تومان است، اما این کارگر حدود ۳ میلیون تومان (معادل یک-چهارم سکه) در ماه حقوق بازنشستگی می گیرد. اگر این کارگر ۳۰ سال حقوق بازنشستگی بگیرد (با قیمت امروز سکه) ۹۰ سکه طلا دریافت می کند که معادل یک-چهارم ۳۷۰ سکه طلا است و اگر به جای پرداخت حق بیمه سکه طلا خریده بود با سپرده گذاری پول آن در بانک ماهانه بیش از ۷۰ میلیون تومان درآمد داشت.

درسنامه (۶)

جنگ و صلح، مسوولیت اجتماعی (۱)

زحمتکشان از جنگ سودی نمی برند و هیچگاه خواهان فرستادن فرزندانشان به تنور جنگ نیستند. سرمایه داری جهانی پس از کرونا برای تحمیل بحران های اقتصادی خود و غارت ثروت خلقهای جهان به خصوص در منطقه نفت خیز خاورمیانه، به جنگ احتیاجی مبرم دارد. در آخرین جنگ جهانی بیش از ۵۰ میلیون انسان کشته شدند. ذخیره بمب اتمی و هسته ای به حدی است که می تواند ۲۰ بار بشریت را نابود و موجودیت کره زمین را با خطر روبرو سازد. هزینه کرد جنگ ایران و عراق می توانست مردم دو کشور را از رنج بیسوادی، گرسنگی، بیماری، دشواری مسکن و بهبود لوله کشی آب و فاضلاب بی نیاز کند. سرمایه داری جهانی با تبدیل دانشمندان به هیولای مرگ، آنان را از وظیفه انسانی شان که بهبود وضعیت بشر است غافل کرده و دانشمندان به جای ریشه کنی بیماری ها با دستکاری آزمایشگاهی بیماری هایی چون ابولا، سارس، و اکنون کرونا را تولید و به جان مردم انداخته اند.

سرمایه داری بدون غارت جهان سوم و بدون بازار تسلیحاتی حتا یک ساعت هم نمی تواند زندگی کند. سرمایه داری برای تحصیل سود حداکثری، اجازه نمی دهد بشریت در یک مسابقه صلح آمیز اقتصادی-فرهنگی، خود تصمیم بگیرند که کدام سیستم بهتر است. سیستم سرمایه داری و یا سیستم فراگیر خدمات عمومی (سوسیالیسم) و برابری اجتماعی.

در کودتای ۲۸ مرداد این آمریکا و انگلیس بودند که با سرکوب جنبش کارگری و ملی نفت، به جای ما و با همدستی پهلوی تصمیم گرفتند. ما به ژاندارم منطقه و سربازان ارتش (فرزندان زحمتکشان ایران) را برای سرکوب مردم ظفار روانه قتلگاه کردند. آنان به جای ما تصمیم گرفتند تا پول نفت ما،

خرج پادشاه رانده شده یونان و همسرش گردد. آنان به جای ما تصمیم گرفتند تا شاه در قمارخانه های اروپایی ببازد و خرج یکشب هماغوشی با ستاره های سکسی آلمانی به ۸۰۰ هزار مارک بالغ شود. آنان به جای ما تصمیم گرفتند که خواندن یک کتاب باید شکنجه ای حیوانی و سالها زندانی در پی داشته باشد. امپریالیسم در مقابل نظریه صلح دوستی انسانها، نظریه چرچیل و جان فوستر دالس را اختیار کرد. آنها اعلام کردند: «تضاد جهان آزاد و جهان کمونیستی حل شدنی نیست. درست است که جنگ هسته ای برای ما فایده ندارد ولی صلح هم ابدن به صلاح ما نیست. مسابقه تسلیحاتی برای ما یک بازار پرفروش است و برای مردم جهان یک فشار اقتصادی. مدتی در جهان مسلح و در جهان جنگ سرد زندگی کنیم. ما با مردم دنیا باید از موضع قدرت روبرو شویم و کوشش کنیم آنها را از درون پوک کنیم و بساط دوستی خلقتها با هم را بهم بریزیم. این تنها راهی است که می توانیم برویم و خواهیم رفت» با این نظریه پس از جنگ دوم جهانی ۴۵ سال بعد بلوک شرق و اتحادشوروی درهم کوبیده شد. این درسی است که همه مردم دنیا باید آن را آینه تمام نمای خود کنند. اگر ثروت اجتماعی را در راه رفاه مردم هزینه نشود نه تنها امنیت ملی ایجاد نخواهد شد بلکه فقر و شورش را برای هر حاکمیتی به دنبال خواهد داشت. جنگ در سوریه، عراق، یمن و لیبی باید جنبش کارگری ایران را هوشیار کرده بداند امنیت ملی هر کشوری نه بمب اتم و موشک های دور برد بلکه خلق هر کشوری تضمین کننده استقلال و امنیت ملی آن کشور است.

جنبش کارگری خواهان صلح، برابری اجتماعی از ثروت ملی است. مسوولیت و حق هر انسانی حمایت و برخورداری از زندگی صلح آمیز است. بیابیم پلیدی های اجتماعی را همچون اتحاد در برابر بیماری کرونا از جامعه مان با عمل به مسوولیت اجتماعی در قبال آینده فرزندان ایران زمین انجام دهیم. می توانیم و این تصمیم با ماست.

خودگشی دانش آموزان بخاطر نداشتن موبایل!!



E.G.

جنایتی که بدست عاملان فقر و فلاکت
انجام میشود، هرگز از خاطره‌ها نخواهد رفت.



معلم گفت : عشق را معنا کن

پسرک جواب داد : نمیدانم عشق چیست، اما وقتی مادرم صبحها لقمه نان و پنیرش را در کیفم میگذارد و به دروغ میگوید: عزیزم بخور باز هم هست دلم میلرزد. دروغ مادرم یا شاید لرزش دلم همان عشق باشد.



مادران و خواهران و دختران ما، همراه شما برای زندگی عاری از خشونت و سرزمینی آزاد و عدالت محور خواهیم رزمید و روز ۵ آذر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان را همراه شما گرامی می داریم!